

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0078

<http://hdl.handle.net/2333.1/t76hdrfr>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

۱۲۹
تاعمل ترا در قافله
جزای اول

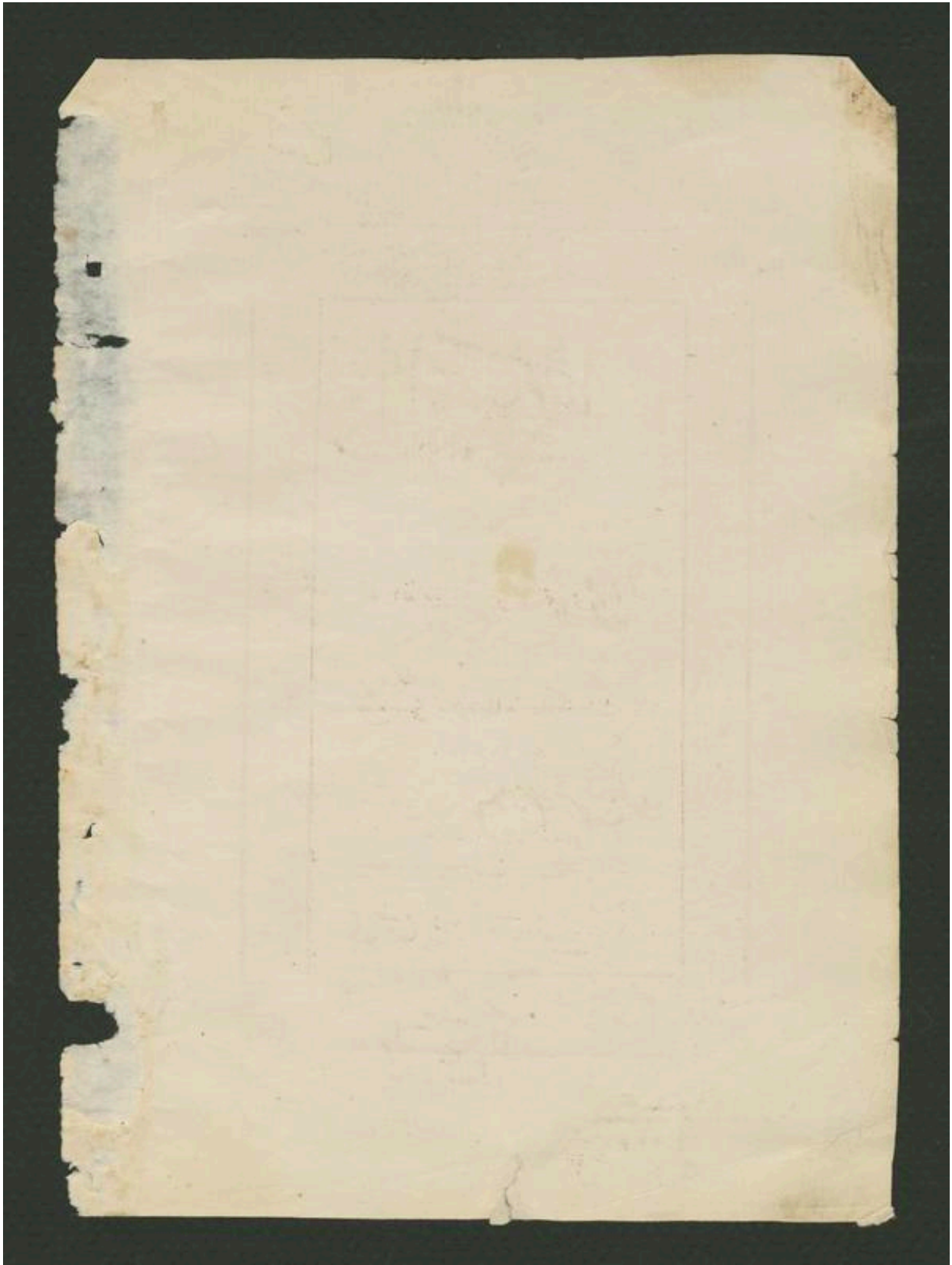


(نظامنامه جزای عمومی)

در مطبع سنگی ماشینخانه دارالسلطنه کابل
طبع گردید

اسد سنه ۱۳۰۰ شمسی

طبع اول - ۱۰۰۰





نظامنامه

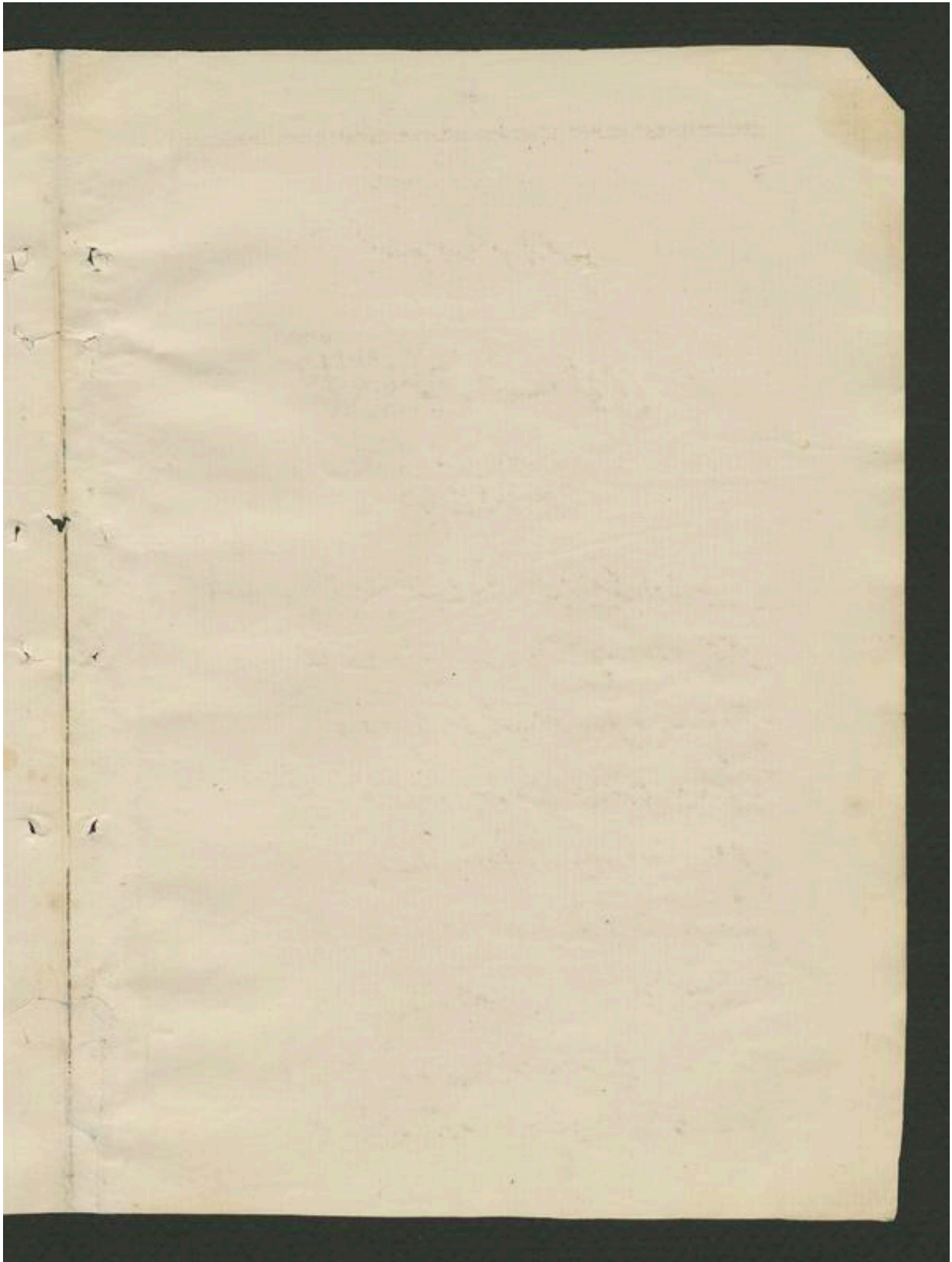
جزایر عمومی

در مطبع سنگی ماشینخانه دار السلطنه کابل طبع گردید

اسد - ۱۳۰۰ شمسی

طبع اول

عک
۱۰۰۰



بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه جزای عمومی

مقدمه

قاعده

۱. چنانچه اجزای مجازات جرایمیکه براه دست بر علیه حکومت واقع میشوند بدولت عاید است، همچنان از جمله جرایمیکه بر علیه یک شخص بوقوع برسند، تحدید درجه تغزیرات آنها که تابع تغزیر شرعی و سیاستی باشند بدولت عاید بوده، بنا بران در باره این دو نوع مجازات این نظامنامه جزا چنانچه مقدار ثواب آن بقرار رأی اولوالامر بیان گردیده، و از سبب که در با جرایمیکه بقصاص و دیت و حد تابع میباشند، احکام مفیده شرعیه را نیز حاوی است؛ بنا بران کافه مندرجات آن

مطابق شرع انور محمدی است ، و آن فصول (تمسک
 القضاة الايام) که متعلق بجز است از مروطات این
 نظامنامه شمرده میشود .

۲. — جریمه ای که قانوناً توجب مجازات هستند سه نوع است :-
 اول قباحت ، دوم جنح ، سوم جنایت .

۳. — قباحت مستلزم مجازات تکدیریه ، جنح مستلزم مجازات
 تأدیبه ، جنایت مستلزم مجازات تریبیته جریمه های
 هستند .

۴. — مجازات تکدیریه عبارت است از جزای نقدی از
 یکروپیه الی دو صدروپیه ، و یا از بیست و چهار ساعت
 الی یکماه حبس .

۵. — مجازات تأدیبه عبارت است از دو صدروپیه بالاتر
 الی سه هزار جزای نقدی ، و از یکماه الی سه سال حبس ،
 و یا جزای ضرب یعنی کت از سه درّه الی (۳۹) درّه .

۶. — مجازات تریبیته ، عبارت است از جزای نقدی

بالا تر از سه هزار ری و جزای حبس از سه سال بالاتر آلی
 حبس دوام و اعدام، و جزای ضرب (۳۹) در آلی (۱۰۰) در
 مراد از حبس دوام بیست سال مجبوسیت است .

۷. — جزای جرایمیکه از نوع جنحه باشد، تنها بصورت نظربندی
 در مجوسخانه ادا میشود، زولانه در پاب انداخته نمیشود،
 مجوسین در مجوسخانه بصنایع مختلفه اشغال میشوند، و
 مبلغی که ازان حاصل کنند بقوت و معاش شان بسایند
 میشود، و مقداریکه برای شان کفایت نکند از طرف
 دولت اکمال میگردد، محکومین قباحات در توقیف خان
 متوقف میانند .

۸. — جزایمیکه از نوع جنایت باشند، بمرولانه انداخته شدن
 بیک لنگ زولانه در یکپا مجرم در بندیکخانه های عمومی
 ادا میشود، و نظریاقتضای جرم، بندها در خدمات
 شاقه دولت گماشته میشوند، و از طرف دولت
 برای شان خوراک داده میشود .

۹. — جزای ضرب یعنی لت در صحن سراپه های حکومتی
 در حالیکه یکی از مفتی های محکم شرعیه جزائییه که اعطای
 حکم نموده، و یک نفر منصبدار کو توالی، و عند الاقتضا نائب محکم
 و یا حاکم، و یک نفره نظامی و کو توالی موجود باشد، پیش
 روی یک جم غفیر امانی اجرا میشود.

۱۰. — جزای ضرب بامر اسم ذیل اجرامی یابد :-
 مفتی محکم جزائییه، بامفرزه نظامی و کو توالی که در قاعده
 بالا ذکر شده، در صحن سراپه حکومتی، و یا در صحن وزارت
 عدلیه عین درجای وسطی آن اخذ موقع مینمایند، و امانی
 به دور او در صحن ایستاده و یک میدان وسیع بوجود
 آورده اجتمع میکنند. متعاقباً محکوم علیه میدان آورده
 میشود، و مفتی همان محکم که در باره او اعطای حکم نموده
 حکم فیصله شده گوی را با آواز بلند مینخواند بعد از ختم قرائت
 محکوم علیه از کالای بالا پوش برهنه شده در صحن مذکور
 بقسم را کعانه ایستاده شده، یک شخص دیگر از کو توالی

مقابل او ایستاده شده سر او را در بغل میگیرد، جلاد
 کو تو الی دره شرع شریف را گرفته، بموجب اشاره که از
 طرف مفتی داده میشود یک بعد دیگر ضربه را در پشت محرم
 فرو می آرد. در اشائی ضرب دست رست از شانۀ باید بالا
 نشود، و بعد از تماس ضرب بجلدوره باید بر جلد کش کرده نشود.
 بعد از پوره شدن عدد مطلوب بموجب اشاره مفتی محکمۀ
 عدلیه عملیات ختام می پذیرد، و متعاقباً اگر محکوم علیه علاوه
 بر آن بجزای حبس هم محکوم گردیده باشد به بندخانه سپرده
 میشود، و اگر اضافه بر آن محکومیتی نداشت از اذگذاشته
 میشود، و اگر محکوم علیه زن باشد در حضور محکمۀ شرعیۀ جزا
 بصورت ساترانه زده میشود، و ایفا تشهیرات فوق در
 شان او ضرورت ندارد، و سر او را باید شخص محرم بگیرد، و اگر
 محرم نباشد زن دیگر را مکلف بر گرفتن او بدانند.

۱۱ - هیچ نامورد و ات تا حکم یک محکمۀ جزائیۀ نباشد هیچکس از رعایا را
 هیچ وسیله و بهانه ضرب نمیتواند، و هم حکم را که از محکمۀ صادر

بالذات بدست خود اجرا کرده نمیتواند، جزای ضرب
فقط بشکل و صورتیکه در بالا ذکر شده اجرا پذیر میگردد.

۱۲. — مراد از جزای (اعدام) قتل است که طرز آن از حقوق

پادشاهی صادر میگردد.

طرز اجرای هر حکم اعدام در اشخاص منظوری اعلامی که

حکم اعدام را حاوی بوده از طرف اشرف پادشاهی تصریح

و اراده فرموده میشود.

۱۳. — زنیکه بجزای اعدام محکوم گردیده باشد،

اگر حامله بود بعد از وضع حملش

مجازات میشود.

۱۴. — مردانیکه بجاییت محکوم باشند، پیش

از آنکه آنها را در بندخانه ببرند، بشهر

گتانه شده تشریف میشوند.

۱۵- هرگاه یکی از تبعه دول اجنبیه باشند افغانستان تکب
 جریمه گردد که مستلزم جزا باشد، برطبق نظامنامه
 جزا مانند سایر تبعه افغانستان مجازات میشود.

۱۶- یک شخص پس از آنکه بصورت قطعی سبکی از مجازات تیریه
 محکوم شد، در اثنا نیک در حبس خانه باشد، و یا بعد از اكمال
 مدت حبس خود در ظرف ده سال دیگر مرتکب چنان یک
 جنایت گردد که مستلزم حبس پانزده سال و یا زیاده
 بران باشد سیاستاً اعدام میشود.

۱۷- هرگاه بر بالای یک شخص دیت شرعی، و تضمینات شخصیه،
 و رد اموال مسروقه، و جزای نقدی و مصارف محاکمه کیفری
 حکم شود، از همه اول مقدار دیت شرعی، و تضمینات شخصیه،
 و اموال مسروقه از وی گرفته میشود، و بعد از آن جزای
 نقدی و مصارف محاکمه، و مانند آن حق دولت از وی
 استحصال میگردد.

۱۸- مصارف محاکمه بر ذمه محکوم علیه است.

۱۹- اشیا باینکه اعمال، و استعمال، و نقل و محافظه، و بیع

و شرای آن جرم را بوجود می آرند، اگر چه بفاعل جرم تعلق
نداشته باشد هم مطلقاً از طرف دولت، ضبط و
مصادره میشود.

۲۰- اشخاصیکه بکدام جنایت و جرم که امنیت داخلی و خارجی

دولت را اختلال نماید جرأت ورزیده باشند، بعد از
احکام نمودن مدت جزا نیست که قانوناً برای شان معین است
بهمه حال در تحت نظارت کوهنوالی میباشند.

۲۱- بودن در زیر نگرانی کوهنوالی عبارت است ازین چند چیز:-

اول- اقامت کرده تنو استن در محلهاییکه حکومت آنرا
تعیین نموده است.

دوم- محله را که در آن اقامت میورزد و یا جاها باینکه تا
پرسیدن محل اقامت خود از آنجا میگذرد آنرا تعیین
و بیان نمودن.

سوم- در تذکره مرور و سیاقی که گفته شد اشارت کردیم.

تذکره مرور و سیاق (۱۹)

چهارم - بجز در رسیدنش در آنجا و طرف بیت چهار
 ساعت از ورود خود بحکومت خبر دادن .
 پنجم - در حالیکه از آنجا بیک طرف دیگر رفتن آرزو داشته باشد
 سه روز پیشتر بحکومت خبر داده مجدداً تذکره مرور خود را
 گرفتن .

کسیکه در زیر نظارت ضبطی بود و با وجود آن به این شرایط رعایت
 نکند کم از کم بجز این سه کیسال محکوم میشود .
 ۲۲ - مأموریکه به مجبوسیت مدت لا اقل دو سال محکوم گردید یا
 به این شرط که آینده در هیچ یکی از خدمات دولت از او کار گرفته
 نشود طرد کرده میشود . مأموریکه مرتکب جرم هرقوت اموال
 دولت و اخذ رشوت گردیده باشد، اگر چه کمتر از این مدت
 بحکومیت دوچار شده باشد، الی الابد از خدمت دولت
 طرد میشود .

۲۳ - در اثنا وقوع جرم کسانی که سن سیزده سالگی را پوره نکرده
 باشند، از قوه میمه محروم دست میشوند، و از جرمیکه

گروه باشند سؤل شناخته میشود، هرگاه از سبب جرم ایشان
 دیت لازم شود، بعاقله متعلق میشود، و خود ایشان بوالدین
 و ولی ما و وصی ما بے شان تسلیم میشوند، مگر هرگاه پنجمین
 بچه تا پیش از آنکه سال پانزدهمین سن خود را پوره کنند،
 بالتکرار از ایشان یکجور سببزند از کسانیکه بجا فطره شان
 مأمورند از صدر و پیه الی دو هزار و پیه جزای نقدی
 گرفته میشود.

۲۴- در حین وقوع جرم بچه تا نیکه سال سیزدهم عمر خود را پوره نمود،
 و سال پانزدهم را احوال نموده باشند، جزای بے شان بدو
 نصف مقدار یک در نظام مناصف مصرح گردیده است حکم میشود.
 اگر جرم مستلزم اعدام باشد، بعوض آن ده سال حبس شود
 و از پنجمین بچه با جزای نقدی هم مناصف گرفته میشود.

۲۵- هرگاه ثابت شود که مجرم در حین وقوع جرم بحال (جنت)
 یعنی دیوانگی دوچار بود، از مجازات معاف
 دانسته میشود.

۲۶- هرگاه ثابت شود که یک شخص یک جرم را که اصلاً مرضی او
 نبود مجبوراً مرتکب گردیده است، از مجازات معاف نیست
 میشود، تنها در بناب مجبوریست که معتبر است نظر بدربار
 جرم اولاً عبارت است از وقوع یک چنان کیفیت که آن شخص را
 تماماً و کاملاً از شعار تهمت برسی الذمه نشان بدهد و تا این
 پیش آمد یک چنان ضرورتی که او در مقابل آن مقاومت کند
 نتوانستن خود را ثابت بسازد الا از قبیل امر والدین اولاً
 و یا از بادار بخدمتگار حال آنکه از تعظیم و احترام نشئت
 میکند آنهارا مجبوریست گفته نمیشود.

۲۷- فعلیکه بصورت دفع فوری یک تعرض ناحقی که خواه نفس
 و عرض خود شخص یا غیره واقع شود، و جلوگیری آن بدگر صورت ممکن
 نباشد از جرم گفته میشود بناً علی ذلک فاعل آن جزا محذور است میشود
 افعالیکه در اثنای هتیب و سرقتیکه به اجراء جبروشده
 بوقوع پیوسته باشد، و یا خود در سرقت نماید که مورث
 چنان یک ضرر عظیم میشوند که اراده و اختیار یک شخص را

خلل در ایسازد بوقوع برسند، و یا بگونه افعالیکه بر اذیت سارق و ناک
اجرا شود و یا در حالیکه استرداد مال ممکن نباشد هرگاه بر
مدافعت خود، و محافظه و تخلیص و استرداد فوری مال افعال
بوقوع برسند آنها را نیز جرم گفته میشوند !
هرگاه در اجراء یک حکم که از روی شرع و نظام،
و یا امریکه از کدام مرجع نظامی داده شده باشد، یک فعل
واقع شود جرم شمرده نمیشود.

۲۸. — اموال مسروقه در دست هر کس که باشد از وی گرفته
میشود، مگر جزا عاید است بفاعل سرقت .

۲۹. — هرگاه یکچند نفر اشخاص متعدده متحداً مرکب یک جنحه و یا
جنایت گردند، و یا آنکه در یک جنایت و یا جنحه که از
افعال متعدده مرکب باشد از چند نفر اشخاص هر کلام
شان بغرض حصول جرم، یکی و یا یک چند از افعال
مربوبه را اجرا کنند، اشخاص مذکوره را بفعل گفته میشوند
و هر شان مانند فاعل مستقل آن فعل جرمی بینند.

۳۰. — کسانیکه با عطا بیدیه، و یا تقود، و یا به اجراء
 تهدید، و یا به اعمال حیل و دسیسه، و یا بصرف نفوذ،
 و یا بصورت استعمال بچا بے حکم یا مورثت خود دیگر را
 بوقوع یافتن یک جنم و یا جنایت تحریک نمایند، و یا
 بوقوع یک جنم و جنایت واقف گردیده برای حصول
 آن تجویزات نمایند، و یا اسلحه و آلات و وسایط را
 که مدار وقوع یک جنم و جنایت باشد دیده و دانسته تدارک
 کنند و یا در افعالیکه سبب آماده گی و یا تسهیل
 و یا امکان یک جنم و جنایت باشند دانسته با فاعل اصلی
 آن معاونت ورزند، همه این قسم کسان فرغانی مغل
 همان جنم و جنایت شناخته میشوند.
 کسانیکه برخلاف امنیت حکومت، و امنیت عمومی،
 و امنیت اشخاص و اموال دست درازی و یا استعمال
 جبر و شدت مینمایند، و یا بر افعال و حرکات ارباب
 جرایم واقف بوده بآنها بالا اختیار خوراک و خوابگاه و جا

(بجزای عری) می آید

و جائے اجتماع میدهند نیز فرغاً ذی مدخل شمرده میشوند .
 کسانیکه اشیاے را که بصورت غصب و یا سرقت ، و یا
 خود از وقوع یافتن یک جنحه و یا جنایت استحصال
 گردیده باشند ، تماماً و یا قسماً نسبت حفظ و اخفا نمایند ،
 نیز در همان افعال ذی مدخل شناخته میشوند . بنظر به این
 حالات مختلفه در باره کسانیکه فرغاً ذی مدخل یک جنحه
 و یا جنایت باشند بر وجه ذیل جزا حکم میشود :
 اگر اصل فعل مستلزم اعدام و یا حبس دوام باشد ، در باره
 کسانیکه در آن فرغاً ذی مدخل اند [ازده سال تا پانزده
 سال جزای حبس]
 اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس ازده سال تا پانزده سال
 باشد ، در باره کسانیکه فرغاً ذی مدخل باشند [از سه سال
 تا پنج سال جزای حبس]
 اگر اصل فعل مستلزم جزای حبس از سه سال تا ده
 سال باشد ، در باره کسانیکه فرغاً ذی مدخل اند [از دو سال

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰

تاسه سال جزا سه جیس [

در مسایین پنج جزا سه کسانیکه فرغادی مدخل باشند

[بقدر دولتت جزا سه اصل فاعل است]

۳۱ — در حالیکه یک وارث عدم وقوع قتل را دانسته بر یک شخص

بتدارک شاهد زور دعوی قتل اقامه نماید، و بطلان

دعوی او بصورت بر حیات بودن مقتول ثابت شود

[وارث مدعی جزا سه شاهد زور می بیند]

* *

*

بجزا سه جیس
کاپی
۳۱

باب اول

(جنج و جنایاتیکه ضرر شان عام است، و مجازات برای آنتنمگر گردیند)

فصل اول

(جنج و جنایاتیکه امنیت خارجیۀ افغانستانرا اخلال مینماید)

۳۲. — با دشمنان افغانستان متفق گردیده بر علیه افغانستان، یعنی

بر خلاف افغانستان سلاح گرفتن [اعدام]

۳۳. — یک دولت اجنبی را بر علیه افغانستان بمباران یا بمباران کردن [اعدام]

۳۴. — در داخل شدن دشمن با افغانستان سهولت بهم رسانیدن،

و بغرضیکه دشمن با آسانی در افغانستان راه و سستیلا یابد، راه ناپیدا

و قلعه ها و ماشینخانه های افغانستان را تخریب نمودن، و

عسکر دشمن را با سلاح و پول معاونت دادن، و عسکر

افغانستان را در مقابل دشمن به عدم مقاومت تشویق نمودن،

و یا براسی از قوه بفعل آوردن یکی از این جنایات، با دشمن

مخابره کردن [اعدام]

(جنایات عمده) (لا بد است)

۳۵. — دشمن از ترتیبات عسکریه مملکت و نقشه های مدافعه و تقویت

و مقدار قوه عسکریه و الحاصل یکی از اسرار عسکریه و اسرار

مهمه سیاسی را خبر دادن [اعدام]

۳۶. — عسکر افغانستان را بفرار کردن بسوی دشمن تشویق

اغوا نمودن [اعدام]

۳۷. — بیک سرتی از اسرار سیاسی و عسکریه دولت بحسب

مأموریت خود واقف گردیده در حال عدم مآذ و وقت آنرا

بدشمن افشا نمودن [اعدام]

۳۸. — در جدا ساختن و علیحده گردانیدن یک قسم از ارضی افغانستان

از افغانستان، و یا خود را بخارج براسه تاسیس دادن یک

اداره مستقله جداگانه از اداره دولت کوشیدن [اعدام]

۳۹. — بغرض کوشش در ایجاد یک حرب علیه افغانستان بخاک

یک دولت اجنبی پناه بردن [اعدام]

۴۰. — پیش از اعلان حرب یکی از تبعه افغانستان

در خدمت عسکریه دشمن بوده پس از اعلان حرب

۲۰

نیز در همان خدمت دشمن پائیدن [پانزده سال حبس]

* *
*

فصل دوم

(جنم و جنایات کی افیت و اخیلہ افغانستان را اضلال ینماید)

۴۱۔ — تبعہ افغانیہ را بر علی حکومت بہ بغی و عصیان تشویق دادن،

و متعاقباً فعل عصیان بوقوع آمدن [اعدام]

۴۲۔ — بے وقوع فعل بغاوت، فقط در تولید ماوہ بغاوت کوشیدن

[جس پانزدہ سال]

۴۳۔ — بیز قباہ و نشانہاے افغانستان، و یادول اجنبیہ دست

اورا بغرض حقارت و استخفاف پارہ کردن [از دوسا

ماہ سال جس]

۴۴۔ — تشویق نمودن امانی افغانستان را بمقابلہ یکدیگر، و بیز بغرض

آبخار ارضہ ہا یکدیگر مسلح گردانیدن [اعدام]

۴۵۔ — جہر ایکدی در قاعدہ ۴۱ و (۴۲) و

(۴۴) بیان گردیدند، ہر گاہ از طرف بعض جمعیت

بعمل آید رؤساے شان [اعدام] و نفری شان

[جس دوام] میشوند، علاوہ بران جنایت ہا یکدیگر

قاعده ثابیان گردید، هرگاه در آن خصوص در میان بعضی اشخاص
نذاکره و مفاهیم میان آید، و به بعضی اسباب توسل ورزید
شود کسانیکه در مذاکره و مقابله شامل باشند.

رؤسای شان [حبس دوام]

و باقی شان [پانزده سال حبس]

اگر تنها مذاکره بوقوع آید و با اسباب توسل ورزیده نشود.

رؤسای شان [ده سال حبس]

باقی اعضا [هفت سال حبس]

اگر از میان ایشان کسی غیر تکلیف نماید، و دیگران تکلیفش را

رد نموده قبول نکنند، شخص تکلیف کننده [پنج سال حبس]

و کسانیکه تکلیف او را رد نموده بدولت خبر ندهند [از

شش ماه تا یکسال حبس]

کسانیکه تدارک و اعمال و احضار و اعطای سلاح و

آلاتیکه یک جمعیت فسادیه برای اجرای مقصد خود

بآن محتاج است، پردازند.

هرگاه ماده فساد بوقوع فعل آید [اعدام]

والا اگر موقع فعل نیامده بدرجه تشبث باقی بماند [پانزده سال حبس]

و چون در افغانستان تجارت اسلحه جایست، بنابراین

کسانی که پیشه اسلحه فروشی و تجارت سلاح مشغول باشند،

هرگاه از آن وقوف نه داشته باشند [از جزا معاف هستند]

۴۶. — کسانی که عسکر دولت را به بلوا و بغاوت تحریک و تشویق

نمایند [اعدام]

۴۷. — قصد آماجشین خانها و انبارخانه دولت را احراق

نمودن [اعدام]

۴۸. — کسانی که تباراج کردن نقود و اشیای رعیت و دولت

تشبث و رزند رؤسای شان [اعدام]

و بقیه نفری [حبس دوام]

۴۹. — در داینکه در کوه و صحرا مسلح گشت و گذار نموده مردمان را

لخت میکنند، اگر مطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم

نشود بعد از تاوان [از پانزده سال تا حبس دوام]

۵۰. — هرگاه کسانی که بمقصد قطع طریق، در کوه و صحرا مسلح گشت

(جزا اسلحه فروشی) (کلاهک)

وگذار نموده قبل از دزدی و تاراج گرفتار شوند [از سه سال

تا پنج سال حبس]

۵۱. — از ارباب شقاوت مستمره کسانی که قبلاً هم مرتکب جنایت

گردیده باشند، و یا رهنزانی که در دست افتاده گان

خود را شکنجه و اذیت نمایند، و یا در اثنا قطع طریق

مردمان را میکشند [اعدام]

۵۲. — اگر رهنزنان کسی را قتل نموده، و مال نگرفته مجروح کرده،

اگر مطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نشود بعد از

تاوان [از پنج سال تا ده سال حبس]

۵۳. — در کوچها و میدانهای بغرض تشویق مردم برای عصیان،

اوراق مضرة مطبوعه را نشر کردن، و یا برای این مقصد

نطقها گفتن، هرگاه عصیان بظهور آید [اعدام]

و هرگاه بظهور نیاید [نهی دوام]

و اگر تکرار در محل دیگر هم از ایشان اینگونه اوضاع سرزند

اگر چه فعل عصیان بظهور نیاید [اعدام]

بزرگواران
عصیان

۵۴. — کسانی که اخبار ما و بیان نامه ما نیکو بغرض تشویق مردم برای

عصیان نوشته شده باشند نزد خود داشته بنفد

توزیع نموده باشند [از پنج سال تا هشت سال حبس]

* *
*

فصل سوم

(در باره رشوت)

۵۵. قاضی یا و جملہ مامورینیکہ وظایف و خدمات رسیده را
 در عہدہ گرفته اند، و اعضا سے منتخب و منصوب ہر سبب
 مجالس سید، و کسانیکہ از احاد ناس مانند حکم و اہل
 خبرہ بودہ با یک وظیفہ رسمیتہ مکلف ہستند، و وکیل سے
 دعوا، برائے نکردن چیزیکہ نظاماً و قانوناً بکردن آن مجبور
 و یا برائے کردن چیز سے کہ نظاماً و قانوناً بہ آن مجبور ہستند،
 پول و یا اشیائیکہ بنام ہدیہ بگیرند، و یا سایر نافعیکہ
 بہ اینصورت برائے خود نامین بنمایند، و فرق فاحشہ
 کہ در بین قیمت حقیقیہ و ثمن مسامی اموال و املاکیکہ برائے
 ہمین مقصد خواہ کم و یا زیادہ بیع و شراشوند، گرفتہ میشود
 رشوت است.

۵۶. یک ماموریکہ بغرض باطل گردانیدن یک حق رشوت بگیرد

(برائے رشوت)
 رشوت
 رشوت

[سه چند مقدار یک رشوت گرفته است از وی بقسم جزایه
 نقدی است داد گرفته از سه سال تا پنج سال حبس] ۵۷
 هرگاه رشوت تنها برای وعده کردن و یا نکردن کلام
 کاره گرفته شده بطلان حق عمل نیامده باشد [سه چند
 مقدار رشوت از وی استرداد کرده از دو سال
 تا سه سال حبس میشود]

۵۸. راشی یعنی رشوت دهنده بصورت اول رشوتیکه داده است
 بقسم جزایه نقدی از وی ضبط گردیده علاوه بر آن
 [از یک سال تا سه سال حبس]

و نظر بصورت ثانی [تنها همان رشوتیکه داده است بقسم
 جزایه نقدی او بجزئیة دولت میرسد]

۵۹. اگر هنوز رشوت داده و گرفته نشده باشد، و تنها در باره
 اخذ و اعطای آن یک گفتگو یا مقاوله تحریری عمل آمده
 باشد [راشی و مرتشی بصورتیکه تقاضای مال مذکور شد
 جزایه میبند]

۶۰. — هرگاه يك آدم براسه محافظه جان و مال و عرض خود،
 و الحاصل براسه حفظ يك منفعت مشروطه خود رشوت
 دادن مجبور گردد، رشوتيكه داده است و پس بخودش
 اعاده ميشود، و تنهاترشي جزا مي بيند.

۶۱. — هرگاه يك نامور در صورتيكه بر ايش رشوت تكليف شود
 و او آنرا قبول نمايد و متعاقباً بدولت خبر بدد، خودش
 علناً از طرف اشرف پادشاهي با يك تخمين نامرطيف
 گردیده و راشي جزا مي بيند.

۶۲. — كسيكه رشوت دادن مجبور شود، و رشوت را برترشي داد
 بايد و ظرف يك هفته بدولت خبر بدد، هرگاه بدلايل
 مقننه رشوت را اثبات نمود شخص مذکور از جزا براسه
 راشي معاف ميشود.

* *

*

فصل چهارم

(در باب سرقت اموال)

- ۶۳ - کسیکه اموال دولت را نقداً و یا جنساً سرقت نماید، اگر تازه
 هزار روپیه باشد، بعد از استرداد وجه [هرگاه نقد باشد
 و مثل آن پیه نقد و هرگاه جنس باشد و مثل قیمت همان
 جنس از دست استردا کرده بخرتینه دولت داخل میشود
 و ده سال حبس گرفته مدت العمر از رتبه مأموریت دولت
 محروم میماند] و اگر اضافه از ده هزار روپیه باشد [اعلیم]
 ۶۴ - کسیکه در وقت بیع و شراسته اشیا بحساب دولت در
 معاملات خرید و فروختن آن دست بازی نموده خود
 از آن مستفید گردد [بقرار قاعده فوق جزای میبند]
 ۶۵ - اگر مرتکبین جرمها اینکه در همین دو قاعده فوق بیان شد،
 مأمورین دولت نباشند، با وجود آنهم مانند بالا جزا
 میبندند.

۶۶ — هرگاه یکی از مأمورین دولت حق یکت آدسه یا که از دولت

میگیرد تا مانده یکت قسم آنرا خودش بگیرد [دو مثل پیس]

گرفته گی از وی استرداد کرده پنجمال حبس میشود

هرگاه بواسطه شخص دیگر ترکب این جرم کرد [خود مأمور یا ترکب

جرم بر طبق فوق جزا سے میند]

۶۷ — هرگاه یکی از مأمورین دولت، اجرت عملی را که براسه کار

دولت استخدام نموده است کم بدید و یا هیچ نداده خود

بگیرد [پیس] که گرفته است از خودش دو مثل آن گرفته میشود،

یکت مثل آن حق اجوره عملی بوده یا نه داده میشود، و مثل

دیگر آن بقسم جزا سے نقدی بخرتینه دولت سپرده میشود

و خودش پنجمال محبوس میماند]

۶۸ — هرگاه یکی از مأمورین دولت در مزایده واردات دولت

دست بازی نموده موجب نقصان آن گردد [از مأمورین

طرد و از یکسال الی سه سال حبس میشود، و بها نقدی نقصانیکه

در واردات وارد نموده است از بقسم تاوان گرفته میشود]

۶۹. — هرگاه یکی از مأمورین دولت براسی تشع و استفادۀ خود
 شر او یا علناً بالذات و یا علی طریق المشارکه، در خریداری
 بعضی اسبابها بیکه بنظارت، و یا اداره اولازم بوده
 از طرف دولت در آن خصوص امر داده شده باشد، و یا
 در خرید بعضی اشیای بیکه بحساب دولت خرید میشوند
 و یا در فروشش چیزی بیکه از طرف دولت براسی او
 سپرده میشود مشارکت ورزیده بود [از مأموریت طرد
 و از یکسال تا سه سال حبس]

۷۰. — اگر در خرید و فروخت این اموال سرکاری اجرت
 وساطت بگیرد [از مأموریت طرد و از یکسال تا سه سال
 حبس]

۷۱. — مأمورینیکه براسی خود، و یا براسی دیگران پیشه سرکاری را
 برداشت نمایند [از مأموریت طرد و از یکسال تا دو سال حبس]

* *

*

مأموریت (مأموریت)

فصل پنجم

(کسانی که نفوذ ناموریت خود را استعمال بجا نموده)

(و در تلفیسه ناموره خود را ایفای نمی نمایند)

۴۲ --- مداخله کردن نامور بصورت جبر و تحکم در حق مدعی یا مدعی علیه

بنابر یک غرض و حمایت، در حضور محاکم شرعی عینه علیه

و اداره [طرز از ناموریت]

اگر مداخله بصورت رجاء القاسم بوده، باشد [از دود

الی دو هزار ریبه از هفتصد جزایست نقدی گرفته میشود]

۴۳ --- اگر در نتیجه جبر و تحکم از حکم بناحق یک حکم صادر گردد [نامور

مداخله کننده از ناموریتش طرد و از شش ماه تا سه

سال صبر]

هرگاه در نتیجه رجاء القاسم از حکم نیز حق حکم صادر شود

[علاوه بر آنکه از ناموریت که رجاء القاسم نمود، جزایست نقدی

گرفته شود از دوازده الی شش ماه بنده هم برانها

۴۶۰ — قاضی محکماً و اعضاء مجلس مای مشوره علاؤ
 برامضا نکرده نبرداخله که جبراً و یا التماساً بوقوع آمده است
 یباید که احوال آنرا نیز بدولت اطلاع و اخبار نمایند
 و الا اگر در یکی ازین دو امر فروگذاشت نمود بودند،
 [غزل از مأموریت]

۴۶۱ — رئیس مای مجلس و یا قاضی محکماً یباید که معاملاً از
 روی جبر و التماس شنیده آنرا اجرا کرده باشند
 [شش سال طرد از مأموریت دیکسال حبس]

و اعضاء آن [تنها شش سال طرد از مأموریت]

۴۶۲ — اگر یک مأمور در اجرا نکرده یکی از او امر و قوانین و
 نظامات دولت، و برای تحصیل نشدن اموال دولت
 صرف نفوذ بنماید [از سه سال تا پنج سال حبس]

۴۶۳ — اگر کسی باین طریق صرف نفوذ بنماید از مأمورین
 دولت نباشند [از دو سال تا سه سال حبس]

۴۶۴ — هرگاه کدام وزیر و یا نائب حکومت، و یا حاکم اعلا یا حاکم

و علاقه دار، مستوفی و سرپرشته دار، و قاضی مأمور
 مالیه، و مدیران تجارت و زراعت و مگرک در داخل منطقه
 مأموریت خود، تجارت خرید و فروخت ارزاق را در
 دست خود گرفته بالذات اجرا نماید، این تجارت
 خواه علنی باشد یا سری [از مأموریت طرد میشود و از
 یکپاره االی بیست هزار روپیه جزای نقدی میدهد]
 فقط در جائیکه است اگر از خود اطلاق و اراضی داشته باشد
 تجارت محصولات زمین مایه خودش ازین قاعده
 مستثنا میباشد.

۷۹. — هرگاه مأموریکر بلاعذر معقول، فرمانها و امرنامه نیکه

دولت نشر نموده باشد نشر ننماید [طرد از مأموریت]

۸۰. — هرگاه یک مأمور بلا سبب مقبول در ایفای وظیفه

خود غفلت اجهال و رزد، و یا امری را که از طرف آمرش

موافق با احکام قانونیه داده شده باشد اجرا ننماید، اگر

ازین عدم اجرا برای دولت یک ضرر برسد، نظر بر

۳۵

[از پنچصد روپیہ تادہ ہزار روپیہ جزا اے نقدی]
و ہر گاہ از ان بیاست دولت یک ضرر برس از
[دو سال تا سہ سال حبس]
و اگر از ان بر اے یکی از عایا یک ضرر مالی رسید
علاوہ بر جزا اے فوق [تا وان ہمان ضرر ازوے نیز
گرفتہ میشود]

* *
*

(۵) جزا

(۵) جزا

فصل ششم

(تعدی مأمورین دولت بر رعایا)

۸۱۔ ہر گاہ یکی از مأمورین برائے اعتراف کتائیدن جرم،

بریک شخص مظنون و یا متہم باذیت و شکنجہ او امر نماید،

و یا خود بالذات اجراء ارد [از مأموریت برائے همیشه

طرز، استرداد تہ و نشان، جس وہ سال]

اگر آدم اشکنجہ شدہ از صدمہ شکنجہ وفات یابد،

[کیسکہ اشکنجہ اور امر دادہ است جزاے قاتل را

سے بیند]

۸۲۔ ہر گاہ یکی از مأمورین در حق یک مجوس از طرز مجازاتیکہ

قانون تعیین نموده است، بالاتر و سنگین تر آزا اجراء نماید

و یا اجراءے آزا بدگیرے بفرماید [از یک سال تا سه

سال حبس]

۸۳۔ ہر گاہ ایک مأمور مخالف طرزیکہ آزا قانون نشان دادہ است

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

بخانه یکی از رعایا داخل شود [از سده تا سه سال حبس]
اگر هم در خانه داخل شود، و هم بخوابد، به اجزا
جستجو و تفتیش قیام و اقدام نماید [از یک سال تا سه

سال حبس]

۸۴. — اگر غیر از مأمورین یک آدم دیگر در خانه یک کسب آنکه

خانه خودش باشد، جبراً و یا خود تهدیداً و تخویفاً، و یا آنکه

تختاً داخل شود [از یک ماه الی یک سال حبس]

۸۵. — هرگاه یکی از مأمورین مال و ملک یکی از رعایا را جبراً اشتراک

و یا به ادعای بی معنی ضبط کند و این روش [مال و ملکیکه

گرفته شده دوباره بعداً جبراً عیناً و یا بدلاً اعاده میشود

خود مأمور و از شش ماه تا سه سال حبس]

۸۶. — اگر یکی از مأمورین دولت، از رعایا یا زیاده از محاسن

دولت یک چیز اضافه ستانی نموده آزادگیسته

خود بریزد [علاوه بر استرداد و چندین باره گرفته شده]

از دو سال الی سه سال حبس]

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲

هرگاه خودش نگرفته، و مبلغ اضافی را بخرنیه دولت
 تحویل نماید [همان مبلغ از خود او گرفته بصاحبش داده میشود]
 ۸۷- هرگاه یک مأمور و یا یک رئیس و سرکرده امانی غیر از حد
 مانیکه بموجب کدام نظامنامه و یا فرمان پادشاهی امرش
 باشد رعایا را بیگار گرفته از آنها کار بگیرد [اولاً حق اجرت عماله
 بیگار از او گرفته بعد داده میشود، و ثانیاً از شش ماه
 تا سه سال حبس میشود، و اگر از جمله مأمورین باشد از مأموریت
 هم طرد میگردد]

۸۸- هرگاه از مأمورین دولت و یا آدم های شان، و یا ^{از آن} منصفان
 و سپاهیان نظامی و کوتوالی در خانه رعایا و امانی فروش
 گردیده هفت و جبراً طعام بخورند و یا برای اسپ ^{ها}
 خود جو و گاو و غیره بگیرند [قیمت اشیا ^{ند} مانیکه گرفته و خورده
 استرداد گردیده بصاحبانش داده میشود، از مأموریت
 طرد و از یک هفته تا یکماه حبس]
 اگر فوج نظامی در اثنای کوچ از یکجا بدیگر جا تنگ

(۵) بیگار
 (۵) مأمورین

اینچنین حرکت گردد [قیمت چیزها نیکه گرفته شده باشد
بقسم تاوان از منصبدار فوج که با ایشان درین جرم
شریک بوده گرفته میشود، و خود منصبدار در دیوان حرب
در تحت محاکمه آمده از خدمت عسکری طرد و از یکسال
تا سه سال مجوس میماند]

* *

*

فصل هفتم

(کسانیکر بامورین دولت مخالفت کنند و به آنها)

(بے اطاعتی یا تحقیر نمایند)

۸۹۔ کسیک بامورین دولت را در اثنای ایفای وظیفه شان

و یادریک امرے که متعلق خدمت شان باشد از کذا

سبب براسے شکستادن قدر و ناموس شان تحقیر کند

و یاد حق شان اطاله لسان یعنی زبان درازی نماید و یا

خود تحریف نماید [از کیفیت الی یگا بس]

اگر این معامله در اثنای یک محکمہ و یا یک مجلس مشوره بگا

مشغول باشد واقع گردد [از شش ماه تا یکسال حبس،

و یا از دو صد الی چهار صد روپیه جزاے تقدی]

۱۰۔ کسانیکه سپاهیا بچ منصبداران نظامی کوتوالی

و پولیس را در اثنای وظیفه شان جوارت کنند

از یک هفته الی یک ماه حبس، و از بیست روپیه تا پونصد روپیه

جزای نقدی [

اگر در اثنا بر این حقارت سلاح بهم کشیده شود،

[یکسال حبس]

۹۱. کسانی که یکی از ماورین و یا از سپاهیان و منصبداران

نظامی و کوتوالی و پولیس را در اثنا بر ایفای وظیفه

و یا بنحاطر وظیفه شان که ایفای نمایند، ضرب و جرح و

یا اینکه جبر و تشدد نمایند [علاوه بر جزای مستلزم

ضرب و جرح، از یکسال تا سه سال حبس]

* *

*

فصل (۴) جزای نقدی

فصل هشتم

(کسانیکه مجبوس میگیرند، و یا از باب جنایت رامیداشند)

(و حمایت می نمایند)

۹۲- هرگاه از پیش سپاهی و یا منسب دار نظامی و پولیس

که بر محافظه یک مجبوس مأمور باشد، بسبب غفلت

و بی پروائی مجبوس بگیرند، اگر مجبوس به اعدام محکوم

باشد [ده سال حبس، و در باقی آن ثلث مدت حبس

مقرر مجبوس را پوره میکند]

و اگر مجبوس مذکور را قصد بگیرند [هرگاه مجبوس

به اعدام محکوم باشد پانزده سال حبس و پایان تران

نصف مدت محکومیت مجبوس را جزای حبس

می نمایند]

و هرگاه مجبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد،

و در باره او حکم صادر نشده باشد و قصد او را

بفصل اول مجبوس (۹۱)

بگیرند [از سه سال تا چهار سال حبس]

۹۳- هرگاه یکی از رعایا اسبابی را که فرار مجوسین را
تسهیل نماید تهیة و تدارک کند [از یک سال تا سه

سال حبس]

۹۴- کسانی که برای تسهیل فرار مجوسین برای شان
سلاح و ساثره تدارک نمایند [از سه سال تا پانزده

سال حبس]

۹۵- کسانی که یک بندی فراری و یا اشخاص متهم با بجنایت
شناخته حمایت مینمایند [از یک سال

تا سه سال حبس]

و خویشاوندانش از اصول و فروع، از قبیل پدر و مادر
و ازواج و اولاد شخص مذکور از مجازات معاف میشوند.

* *

*

فصل نهم

(کسانی که مہر را شکستند، و یا اشیاءِ امانتِ اوراق)

(رسمی یا دزدند)

۹۶۔ از طرف مأمورین دولت مہر یکہ برابِ حفظ بعضی اشیاء

و یا اوراق و یا کلام محل وضع شدہ باشد، ہر گاہ آن مہر

از سبب غفلت و سہل انگاری کسیکہ بحافظہ آن

مأموریت شکستہ شود [از مأموریکہ غفلت نمودہ است

از دو صدر روپیہ تا یک ہزار روپیہ جز اسے نقدی گرفتہ نشود]

۹۷۔ کسیکہ مہر را شکستانندہ باشد [از شش ماہ

تا یک سال حبس]

اگر مہر را خود ہمان مأموریکہ بحافظہ آن گماشتہ شدہ

شکستانندہ باشد [از یک سال تا سہ سال حبس]

۹۸۔ علاوہ بر شکستہ شدن مہر ہر گاہ بعضی اشیاء

و اوراق ہم دزدی شدہ باشد [بعد از توان اشیاء

از پنجمال تا ده سال حبس

۹۹. — کسانی که اوراق رسیده دولت را سرقت و یا محو و

اتلاف نمایند [از یکسال تا دو سال حبس]

اگر سرقت و یا محو و اتلاف آن از طرف مأموریکه محافظ

مقرر است بعمل آید [از سه سال تا پنجمال حبس]

و اگر سرقت و یا محو و اتلاف آن از غفلت و سهمل

انگاری مأموریکه محافظ آن است بوقوع آید [تجاوز

یکماه اش بقیم جزای نقدی گرفته میشود، و از یک

هفته تا یکماه حبس]

۱۰۰. — اگر شکسته شدن مهر و سرقت اوراق رسیده و

محو و اتلاف آن از طرف بعضی اشخاص بصورت هجوم

بر محافظ آن بعمل آید، هر یک از هجوم کنندگان

[از پنجمال تا ده سال حبس]

۱۰۱. — هرگاه مأمور پوخته خطوط رسمی و خصوصی که پوخته خانها

سپرده میشوند، آزا بکشاید، و یا در کشادن آن

۴۶

مساعده نمايد [از بيست روپيه تا صدر روپيه جزايه

نقدى، و از نگاه تا سه سال حبس]

* *

*

فصل دهم

(کسائیکہ بے اختیار و ماذونیت، بخود صفت)

(رسمیہ اضافہ میں نمایند)

۱۰۲۔۔۔ کسیکہ بے صلاحیت و ماذونیت خود را چنان نشان

بدید، کہ گویا بیک منصب ملکی و یا نظامی منسوب بودہ

علاوہ تائبہ ایفای وظایفیکہ بآن منصب عاید است

جرات و رزق [از یکماه تا دو سال حبس]

۱۰۳۔۔۔ کسیکہ بدون ماذونیت دولت سر بخود حقداری و بحق

رسانی کسے را نماید [از یکماه تا یکسال حبس]

۱۰۴۔۔۔ کسیکہ اموال غیر منقولہ را کہ از رزق وی حکماً گرفتہ شدہ

و بہ مستحقش تسلیم کردیدہ باشد، بالکفر ارضیٹ نماید

[از یکسال تا دو سال حبس]

۱۰۵۔۔۔ کسیکہ نشانی را کہ از طرف حکومت بر اے او

داده نشدہ باشد بیاویند و البتہ رسمیه بالاتر

بفرضه عوارضه زمره (ج)

۴۸

از رتبه خود را بپوشد، و یا در حالیکه هیچ رتبه
نداشته باشد لباس رسمی در بکنند [از کیفیت
تایکاه جیس]

* *
*

فصل (۴) خرابی

فصل یازدهم

(کسانیکه سلسله مخابرات تلغراف و تلفون را خراب کنند)

۱۰۶- کسانیکه آلات تلغراف و تلفون را قصد خراب نمایند

[علاوه بر دو چند قیمت ضرر از سه ماه تا دو سال حبس]

۱۰۷- کسیکه سیم تلفون و تلغراف را بریده و چوبه‌های آنرا

انداخته، موجب تعطیل و تعویق مخابرات گردد [از

یک سال تا سه سال حبس و از پنجاه روپیه الی دو هزار روپیه

جزای نقدی]

۱۰۸- اگر این معامله بریدن و تخریب سیم های تلفون و

تلغراف، در اثنا یک محاربه و یا اختلال بوقوع

آید [اعدام]

* *

*

فصل دوازدهم

(قلب چلانها)

۱۰۹- کسانیکه مسکوکات قلب میسازند و قلب چلاننی میکنند

[ازده تا پانزده سال حبس]

۱۱۰- کسانیکه پسته قلب را نادانسته داد و ستد مینمایند هیچ

مستحق جز این میشوند، فقط بعد از آنکه قلب شناسی را

آموخته باز هم بچلانند آن کوشش و رزند [از

بیت رویه تا صدر رویه بجز اسب نقدی محکوم میشوند]

* *

*

زندانها چنانچه عور

فصل سیزدهم

(کسانیکہ سند ویا مہر ساختہ گی سے سازند)
۱۱۱۔ کسانیکہ فرمانہاں پادشاہی و مہرٹاں حکومت،
و مہرٹا و امضائے مأمورین دولت و اوراق و سندیکہ
تعلق بدقترما باشد، تقلید و تحریف نمودہ استعمال کنند
[ہر گاہ از آن منفعت حاصل گردد، دو چند ہمان مقدار
ازوے جزاے نقدی گرفتہ شدہ، ازوہ سال تا پانزہ
سال حبس]

ہر گاہ از فرمان ساختہ گی پادشاہی بدولت بیک ضرر
کلی برسد [اعدام]
کسانیکہ این گونہ اوراق ساختہ گی و محرف را بدست آورد
استعمال نمایند [از پنج سال تا دوہ سال حبس]

۱۱۲۔ ہر گاہ یکی از مأمورین خواہ در بیان سطرٹاں اعلام
و فیصلہ آرا و سندت و سایر سجلات و فائزہ

ایفای وظیفه خود مینویسند، یا بتغییر خط و تمام و امضا
و یا در صورت نوشتن اسم یک شخص بوضو شخص دیگر
تخریفات نموده اینگونه ساخته کاری نمایند [ازده

سال تا پانزده سال حبس]

۱۱۳. هرگاه یک مأمور در اثنای ایفای وظیفه خود، در

وقت نوشتن اوراق رسمیه که تنظیم میکند، یک چیز را
که یک آدم نگفته است بقسم گفته گی او، و چیز را که گفته
برعکس آن نوشته بدینصورت ساخته کاری نماید

[ازده سال تا پانزده سال حبس]

۱۱۴. رئیس مای مجلس و قاضی مای محکمه که اوراق ساخته گی

و قاعده مای فوق الذکر را دسته در موقع اجرا بگذرانند

[ازده سال تا پانزده سال حبس]

۱۱۵. کسانی که به اداره مای گمرک بیان نامه مای بیجک مای

ساخته گی و محرف و خلاف حقیقت را ابراز نمایند

[از یک هفته تا یک ماه حبس، و از دو صد روپیه تا دو هزار روپیه

جزای نقدی

۱۱۶. کسانیکه خواه برای خلاص کردن خود و یا دیگران

از خدمت دولت بنام طبیب شاهادت نامه

ساخته گی بسازند [از یکسال تا سه سال حبس]

۱۱۷. همچنان طبیب و جراح مانیکه خواه بمنی بر شمت خود

بنابر خاطر و التماس برای رسانیدن یک آدم

از خدمت دولت شاهادتنامه کاذب بفرستند

[از یکسال تا سه سال حبس]

۱۱۸. کسانیکه بنا دانی و ناشناسی چیزهای ساخته گی

و تقلیدی را استعمال میکنند [از جزا معاف هستند]

* *

*

فصل چهاردهم

(آتش زندگان)

۱۱۹ - هرگاه یک آدم در داخل شهر و قریه بخانه کس قصداً

آتش زده باعث سرایت کردن آن به بناهای

دیگر گردد، حریق و سوخته گلی که بدین صورت ظهور کند

فاعل آن [اعدام]

و اگر از همان خانه بخانه های دیگر سرایت نکند

[حبس دوام]

و اگر چه سرایت نکند و موجب تلف نفس یکی از اهالی

همان خانه گردد [اعدام]

۱۲۰ - کسانیکه خواه در داخل شهر و خواه خارج شهر در وقوع

یافتن حریق تشبث بنمایند، و لاکن بفعل آورده نتوانند

[از پنجمال تا به ده سال حبس]

۱۲۱ - کسیکه چوبهای بریده و محصولات درویده را

مانند خرمین و غیره آتش بدید [بعد از تاوان بصاحبش

از سه سال تا پنجم سال حبس]

۱۲۲ - هرگاه صریق که قصد از طرف آتش زندگان بوقوع آید

موجب وفات انسانها گردد [شمار انگیزان

اعدام میشوند]

کسی که یک آدم را با آتش زدن امر و اجبار نماید اگر چه

۱۲۳

آتش زده گی بوقوع نیاید [پنجاه سال تا پنجم سال حبس]

* *

*

زندانیان جزایه عوار

فصل پانزدهم

(در خصوص شراب)

۱۲۴- در افغانستان ساختن شراب و استعمال او داخل آن

و مسکرات دیگر بملکت بالکلیه ممنوع است، مگر چرس

و بنک که از محصولات افغانستان است، تنها استعمال

و خرید و فروش آن برای استعمال در داخل

ممنوع است، اعمال و اخراج آن بملکت خارجه

ممنوع نیست.

۱۲۵- کسانیکه علناً شراب نوشی نمایند [هشتاد و سه ضرب

میشوند، و فی دهره (۱۰) روپیه جزای نقدی] (+)

۱۲۷- کسانیکه شراب بدیگران میفروشند [هزار روپیه

جزای نقدی و سه سال حبس]

۱۲۸- کسانیکه شراب سازی مینمایند، بعد از اتمام

شراب او [هزار روپیه جزای نقدی و سه سال حبس]

(۴) ۱۲۶-

کسانیکه خفناً شراب نوشی نموده، از آثار بیاری یعنی از بعضی ارباب استدالات خفناً شراب نوشی شان بقرار
شرعی ثابت گردد [هشتاد و سه ضرب میشوند، و فی دهره (۱۰) روپیه جزای نقدی]

بزرگوار

۱۲۹- کسانیکه از خارج شراب را با افغانستان ادخال نمایند

[شرابش انلاف و بقدر نصف قیمت شراب آرد

جریمه گرفته میشود، و تا سه سال حبس]

همه قواعد این فصل خاص بر اهل اسلام و تبعه افغانیه

عاید است، فقط در باره تبعه اجنبی کسیکه بر تجارت

با افغانستان شراب را داخل کند و یا بافغانها

بفروشد بموجب قاعده ماب فوق جزا میبند.

۱۳۰- کسانیکه چرس و بنگ میکشند و یا تریاک بخورند،

هرگاه سن شان از (۲۵) کم باشد [از ۲۵ تا ۲۹]

دوره جزا سه ضرب]

و هرگاه زیاده تر از (۲۵) باشد و نوعادت کند [از

۵۰ تا ۵۰ دوره جزا سه ضرب]

برای کسانیکه از سابق گرفتار چرس و بنگ باشند تا دو سال

معاف بعد از دو سال [از ۵۰ دوره ۵۰ دوره جزا سه ضرب]

برای تریاکیان عملی [نصیحت مؤثره]

فصل شافرد

کسانیکه بازنگری میکنند و یا مانند آن مکتوبات مخالف

(اخلاق و آداب عمومی نمایند)

۱۳۱- کسانیکه علناً و یا خفیهً بازنگری میکنند [شش ماه

حبس و از چهار صد اسلحه پنجاه روپیه جزای نقدی]

۱۳۲- کسانیکه علناً و یا خفیهً بازنگری کنند [یک سال حبس]

۱۳۳- هرگاه پدر و اقربا سه یکتجه در پیش روی خود همان

تجه را بر قصیدن مساعد نمایند [دو صد روپیه

جزای نقدی]

۱۳۴- برای هر دستمه بازنگری نافر [ده روپیه جرم]

* *

*

زوجه (همسر) برآمد

باب دوم

فصل اول

(جنایت و یا جنحی مانیکه در حق اشخاص بوقوع میرسند)

۱۳۵ - در مسائل قتل و جرح براسه تفصیلات احکام قصاص

و دیته ، قاضی باید که بجناب تشک القضاة الایامیه

مراجعت بکند .

۱۳۶ - قتل عمد - قتل عمده قلیت که با استعمال آذوقه قصداً

حادث شود ، چون سلاح و باقی اسباب کشتنی

قتل شبه عمد - قلیت که بغیر سلاح و آلات کشتنی

بمقصد املاف حادث شود .

۱۳۷ - هرگاه شخصی شخص دیگر را بصورت عمد قتل نماید [قصاص]

۱۳۸ - هرگاه فاعل قتل عمدا معلوم باشد [دیت از عاقله کفره مشغول]

۱۳۹ - هرگاه قاتل بر فعل قتل عمدا قرار باشد ، و در وقت مقتول

عفو نمایند [ده سال حبس]

۱۴۰- هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را عفو نماید

[بعد از دیت پنج سال حبس]

۱۴۱- و اگر بسبب قیوم داری و لحاظ پسیه داری قاتل

از طرف ورثه مقتول عفو شود [بهمه حال از طرف

دولت حکم قتل در باره اش در معرض اجرا

گذاشته میشود]

۱۴۲- هرگاه یکی از ارباب جنایت و شقاوت مستمره را

بعل آوردن یک جنایت عظیم مردمان دیگر را

غدارانه شکنجه و یا اذیت نماید سیاستا

بجزای قاتل محکوم میشود.

۱۴۳- هرگاه شخص بصورت شبهه عمد کسی را بقتل رساند

[دیت شرعی]

۱۴۴- هرگاه شبهه عمد مکرر شد [سیاستا اعدام]

۱۴۵- اگر دیت شرعی داده نتواند، بعوض هر هزار پویش

دیت [یکسال حبس]

۱۴۶- اگر ورثه مقتول دیت را عفو کند [یا سه و نیم هزار روپیه

و یا سه و نیم سال حبس]

۱۴۷- و اگر عفو در حق یک قوم دار و دولت مند باشد

[یا پنجاه هزار روپیه و یا پنج سال حبس]

۱۴۸- کسی که جسد یک مقتول را اختفا نماید، و یا بے آنکه

بحکومت خبر بد بد دفن کند [از یکماه تا یکسال حبس]

۱۴۹- هرگاه شخصی شخص دیگر را الت و کوب و یا مجروح نموده

موجب قطع و شکستن و سقوط عمل یعنی از کار برآورد

یکی از اعضاءش گردد [علاوه بر دیت شریعی در

صورت عهده از پنج سال تا ده سال، و من غیر عهده

از سه سال تا پنج سال حبس]

۱۵۰- شخصی که شخص دیگر را الت و کوب و یا مجروح نموده

از بیست روز موجب از کار پس ماندن او گردد،

اگر بطابق احکام تمسک القضاة الایمانیه، قصاص

و یادیت لازم نباشد بعد از ادا ای اجر طیب

و مرهم بها [از یکسال تا دو سال حبس]

۱۵۱- اگر مضر و یا مجروح کم از اندازه که در قاعده فوق

بیان شد متاثر و معطل گردد شخص زنده و صرح کننده

اگر مطابق احکام تمسک القضاة الایمانیه دیت و یا

قصاص لازم نشود بعد از مرهم بها [از یک هفته تا یک ماه

حبس]

۱۵۲- کسیکه محض بغض تخویف و تهدید سلاح بکشد

[از یک ماه تا سه ماه حبس]

۱۵۳- کسانی که از آبا و اجداد و اقربا و جدات خود یکی را

ضرب و صرح نماید، هر گاه ضرب و صرح موجب

یکت بیماری و مرض نگردد [از یکسال تا دو سال حبس]

و اگر زیاده از میت روز موجب بیماری گردد [از

دو سال تا سه سال حبس] و اگر سبب سقوط

یکی از اعضا باشد، اگر مطابق احکام تمسک القضاة الایمانیه

دیت و یا قصاص لازم نیاید [از پنجمال تا ده سال

حبس]

۱۵۴- کسیکه بمقتصد قتل و ابرسلاح نمود [پنجمال حبس]

۱۵۵- کسیکه خطا سبب تلف یک آدم گردد، اگر کیفیت

قتل از عدم دقت و یا عدم رعایت بنظامات صادر

گردیده باشد [بعد از دیت شرعی از شش ماه

تا یکسال حبس]

۱۵۶- هرگاه شخصی خطا شخص دیگر را مجروح بسازد [بعد از

دیت شرعی که ادا نماید اگر کیفیت صرح از عدم رعایت

بنظامات پیش آمده باشد از یکماه تا شش ماه حبس]

۱۵۷- هرگاه یک شخص به امر یا کتف امر جابر شخصی را جبراً و کراً

قتل کند و یا ضرب و صرح نماید، جزای قاتل و ضارب

و جراح در حق آمرشس اجرا میشود .

۱۵۸- هرگاه کسی در هنگام شب و یا روز شخصی را ببیند

که بخانه و یا بدکانه زو بان گذشته می براید،

زوجه (بی) بانه عمور

و قفل و یازلفی که در زیر قفل است آزا میگشاید و میخند
 و یاد یوار کینجا مسکون را سوراخ و یاد دروازه اش را
 نکات میکند، و یاد در صحر او دشت مال را جبراً اگر قتل
 بخواید و بغرض بازداشتن و مانعت، صاحب خانه
 و یا صاحب مال شخص مرتکب را قتل و صرح نماید،
 و بغیر قتل و صرح امکان نداشته باشد قاتل و جراح
 شخص مذکور از جزای قاتل و جراح بجای معاف
 دانسته میشود.

۱۵۹- کسیکه در خانه خود مرد بیگانه را با حرم خود دیده او را
 بقتل رساند نیز از جزای معاف دانسته میشود.

۱۶۰- شخصی که نامه تهدید قتل بفرستد بدین مضمون که در صورت
 عدم ایفای مظلوم باست خود او را محو و اعدام خواهد نمود

[از سه سال تا پنج سال حبس]

اگر تهدید شفاً بوقوع آید [از سه ماه تا یکسال حبس]

* *

*

فصل دوم

(جنه و جنایاتیکه متعلق باسقاط جنین هستند !)

۱۶۱- زنیکه به استعمال وسایط مخصوصه، و یا از طرف دیگری

به استعمال آن رضا داده موجب اسقاط جنین خود گردد

[علاوه برتاوان شرعی دو صد روپیه جزای نقدی

و از شش ماه تا یکسال حبس]

۱۶۲- کسیکه برضای یک زن تدارک وسایط مخصوصه نمود

جنینش را اسقاط نماید [علاوه برتاوان شرعی

دو صد روپیه جزای نقدی، و از یکسال تا دو سال

حبس]

۱۶۳- هرگاه درین اثنا حادثه وفات گردد، سقط جنین

[علاوه برتاوان شرعی از پنجسال تا ده سال حبس]

۱۶۴- در صورتیکه بدون رضای زن وسایط مخصوصه استعمال

کرده شود، و یا افعالی مانند ضرب و جرح موجب سقط

بازای جنین

جنین گردد، فاعل [علاوه بر تاوان شرعی از پنجمال

تاده سال حبس]

۱۶۵- اگر در اثناى اینگونه اسقاط جنین زن وفات نماید

[علاوه بر تاوان شرعی پانزده سال حبس]

۱۶۶- هرگاه اینچنین جنایت را یک طبیب یا قابله اجرا نماید

[علاوه بر جزا آنستکه در قاعده است پنجگانه معین است

در حکم هر قاعده که داخل باشد، مقدار جزاى قاعده مذکور

یکت بر یکدیگر علاوه نمیشود]

* *

*

نسخه (۹) خزانه عمیری

فصل سوم

(کسانیکه بتک غرض نمایند)

۱۶۷- هر یکد بایک پچ فعل شنیع اجرا نماید [اعدام]

۱۶۸- اگر مفعول کمتر از ده سال باشد [از جزا معاف]

و اگر کمتر از پانزده سال باشد [۱۱ دره]

و اگر عمر مفعول زیاده از پانزده سال باشد، و جبراً فعل

شنیع در حق او اجرا شود [از جزا معاف]

۱۶۹- اگر مفعول عمرش زیاده از پانزده سال بوده برضا

و رغبت خود بفعل شنیع تن داده باشد [اعدام]

۱۷۰- اگر کسی برای بچه بازی بچه نگاه کند [از هزار روپیه

الی پنجهزار روپیه جزای نقدی، و پنجه سال حبس]

۱۷۱- اگر کسی در حق دختر خانه باکره که هنوز بشوهر نرسیده

باشد فعل شنیع اجرا کند، هرگاه زانی محصن و

عیال دار باشد [اعدام]

و هرگاه محسن و عیال دارند باشد ^{زانی} { _{زانیه} صدوره

۱۶۲- هرگاه یک مرد محسن با یک زن محسنه برضای

جانین فعل شنیع اجرا نماید ^{زانی} { _{زانیه} اعدام

۱۶۳- اگر یک مرد غیر محسن با یک زنیک شوهر زن یک عسکری

باشد، که در مقابل دشمن مجاربه است ^{زانی} { _{زانیه} اعدام

۱۶۴- اگر یک مرد یک زن شوهر دار را که شوهرش مسافر باشد

بگریزند [۳۹ دره ، و دو سال حبس]

هرگاه حاضر باشد [۳۹ دره]

۱۶۵- اگر زن بیوه را بگریزند [۲۵ دره]

و اگر یک دختر خانه را بگریزند [۳۱ دره]

۱۶۶- اگر یک مرد زن یک عسکر را بگریزند، هرگاه شوهرش

مسافر باشد [اعدام]

و هرگاه حاضر باشد [۳۹ دره]

۱۶۷- هرگاه شخص غیر محسن با یک زن محسنه فعل شنیع اجرا

نماید، زانی [صدوره] زانیه [اعدام]

۱۷۸- هرگاه یک شخص غیر محسن با یک زن غیر مُحَصَنه

زنا کند { زانی زانیه } صدوره

۱۷۹- اگر یکی از طرفین در ارتکاب فعل شنیع مجبور

شده باشد [مجبور از جزا معاف دانسته میشود]

* *

*

فصل چهارم

(شاهدی دروغ و قسم ناحق)

۱۸۰- کسانیکه در طرفداری و یا مخالفت یک شخصیکه بقواعد متعلق

جایات متهم گردیده باشد شاهدی ناحق بدهند

[۳۹ دره و شهبیر]

۱۸۱- کسانیکه در طرفداری و یا مخالفت متهم جنج و قباح

شاهدی ناحق بدهند [۳۱ دره و شهبیر]

کسانیکه متعلق مسایل حقوقیه شاهدی دروغ و یا قسم

ناحق بخورند [علاوه بر مقدار نقصانیکه بصاحب حق

رسیده ۳۹۰ دره و شهبیر]

* *

*

فصل پنجم

(بهتان و افترا)

۱۸۲- هر یک بقیه اجرائیه و یا بقیه عدلیه و یا بیک ناموریکه

واسطه رسانیدن کیفیت است، باین دو قوه اخبار

نامه و یا شکایت نامه داده بیک شخصیکه بگناهی او را

محقق میداند، یا از برای غرض بیک ناموریکه

گناه را اسناد کند، و یا خود در مخالفت آن شخص آثار

دلایل مادی بسازد:

هرگاه جرم اسناد کردگی از نوع قباحه باشد منقری

[از نگاه الی شش ماه حبس]

هرگاه جرم اسناد کرده گی از نوع جنج باشد [منقری

از شش ماه تا دو سال حبس]

هرگاه از نوع جنایت بوده و شخص اقرار شده از سبب

آن توفیق گردیده باشد [از پنجم سال تا ده سال حبس]

نمبر (۹) - فراس عمریر

هرگاه از نوع جنایت بوده و مفتری علیه توقیف نشده

باشد [از دو سال تا سه سال حبس]

۱۸۳- هرگاه شخصی برخلاف شخص دیگر قذف یعنی جرم اسناد

زنا را ارتکاب کند.

قذف بر طبق فصل مخصوص تمسک القضاة الالمانیه

[۸۰ دره ضرب میشود]

۱۸۴- هر کسیکه برخلاف دیگری بتعیین یک جرم مخصوص

ویا به بیان کردن یک ماده مخصوصه که تشکیل جرم نماید

مردمان را بجهارت و خصومت خود معروض داشته، و

یا کسی را با اسناداتی که موجب کسر ناموس و اعتباراً

او باشد ذم کند [از دو ماه تا یکسال حبس]

۱۸۵- برای اینکه ذم مذکور مستلزم جزا باشد، واقع گردیدن

آن یکی از صورتهاست که در ذیل نشان داده شده شرط است:

اولاً- در مواجهه متجاوز علیه در یک مجلس و یا در یک

موقعیکه دیگر اشخاص شنیده بتوانند علنی باشند.

ثانیاً — باید در غیاب متجاوز علیه، و لکن بایک چند اشخاص
مجمع و یا متفرق احتیاط کرده اجرا شود.

ثالثاً — باید بصورت رسم و نوشته قاریها توری که بر عموم
نشر و تشریح میگردد و یا بر بعضی مردمان توزیع گردیده باشد
و یا مکتوب کشاده که براه است به متجاوز علیه فرستاده شده باشد
و یا بواسطه ورقه پوست وقوع یافته باشد.

رابعاً — باید با هر رقم جراید و رسایل بومیه و موقوته، و
بهر نوع مطبوعات و وسایط نشریه واقع شود.

۱۸۶ — هرگاه بر خلاف شخصیکه با ذم دوچار تجا و زر گردیده است

از سبب ماده که موضوع ذم است تحقیقات قانونیه
اجرا شود و مستحق شود که متجاوز علیه بکنایه شخصی را
که بروی تعرض واقع گردیده دانسته در صد پستون
اسنادات به او است آ زمان ذم با قرا منقلب گردد
بمطابق قاعده که درباره افترا است حکم داده میشود.
هرگاه شخصیکه ارتکاب جرم ذم را نموده در باره برائت

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

ذمه خود اثبات صحت و یا شهرت فعلی که بر متجاوز علیه

اسناد نموده نخواهد، این ادعایش قبول نمیشود.

۱۸۷- هر کسی که بدون تعیین کدام ماده مخصوصه بیک صورت دیگر

بر ناموس و یا شهرت، و یا حیثیت یک شخص دیگر

مرتکب فعل (قرح) گردد [از نگاه تاشش ما جس

میشود، و یا در مقابل این جزای جس از دو صد روپیه

الی دو هزار روپیه جزای نقدی میدهد]

جرم (قرح) نیز یکی از صورت های چهارگانه که در باره

ذمه ذکر شد لازم است که بوقوع بیاید، فاعل قرح هرگاه

اثبات کردن چیز مانع را که اسناد کرده است ادعا

نماید سبوح نمیشود.

۱۸۸- هرگاه بدون ذمه و قرح یکی برخلاف دیگر اطاله

لسان نماید، و یا بیک اشارت مخصوصه اجرای حقاقت

نماید، حقاقت کنند [از پانزده روز تا یک ماه جس،

و یا در مقابل این جس از پنجاه روپیه تا صد روپیه

ذمه (آ) جزای عمر

جزای نقدی میدهد]

۱۸۹- اطبا و جراحان و عطاران و قابله‌ها اسرارشخصیه را که

باقتضای صنعتشان بآنها سپرده میشوند در غیر

احوالیکه قانوناً به اجبار آن مجبورند افشا نمایند [از پست و

چهار ساعت الی یک هفته حبس، و از ده روپیه الی

چهل روپیه جزای نقدی]

* *

*

فصل ششم

(سرقت کنندگان و زوان)

۱۹۰- هرگاه از میان دو نفر و یا زیاده از آن تنها یکی نفرشان
 مسلح بوده در اثبات شب دیوار یکخانه و یا دکانی که
 در آن انسان اقامت میوزد، شکافته، و یا آنکه قفل آنرا
 شکستانده، و یا خود خویشتن را مانند مأمورین دولت
 نشان داده و یا یک امر ساختگی که از یک مأمور دولت گرفته
 باشد ابراز نموده بدرون داخل شده و آنجا جبر و شدت
 نموده دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک القضاة الایمانیه
 حد لازم نشود [بعد از تاوان هر یک از دزدان حبس دوام]
 ۱۹۱- هرگاه دو کس و یا زیاده بران بیک خانه درآمده با اجرا
 معامله جبر و شدت دزدی کنند، اگر بمطابق تمسک
 القضاة الایمانیه حد لازم نشود هر یک از دزدان
 [از ده سال تا پانزده سال حبس]

اگر در اثناي معامله جبر و شدت يك آدم را مجروح سازند
[اگر بمطابق تمسك القضاة الالمانيه حد و جزا لازم نشود

[بعد از تاوان، حبس دوام]

۱۹۲- هرگاه در يك خانه كه كس اقامت نداشته باشد، بغير
تنگه

در دو قاعده فوق بيان شد داخل گرویده و زود کنند،

اگر بمطابق تمسك القضاة الالمانيه حد لازم نشود،

[بعد از تاوان از پنجمال تا ده سال حبس]

۱۹۳- هرگاه هنگام شب بچند نفر کجا شده در راه عام دزدی نمایند

اگر بمطابق تمسك القضاة الالمانيه حد لازم نیاید [دو اوزه

سال حبس]

۱۹۴- کسانی که بغير از همین چند صورت مانیکه در قاعده مانیکه

فوق بيان گرویده بيك رقم ديگر دزدی کنند، عموماً

اگر بمطابق تمسك القضاة الالمانيه حد لازم نشود، بعد از

تاوان مال [از يكسال تا سه سال حبس]

۱۹۵- هرگاه عراده چي با و كراکش با اشياي را كه حمل و نقل

ینمایند و زدی کنسند، بعد از تاوان شرعی [از یکسال

تا سه سال حبس]

۱۹۶. هر کسیکه اسب و سایر حیوانات سواری و باری و

عمراده و مانند بز گاو و ماده گاو حیوانات را بدزد، اگر

مطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم نشود [بعد از

تاوان از یکسال تا سه سال حبس]

۱۹۷. هر کسی که آلات و ادوات زراعت و نیز میکه برای

فروش فراهم و احضار گردیده باشند، و چوب

تعمیر و مرغها، خانگی و کشتکار در ده و نادر و

را بدزد، اگر مطابق تمسک القضاة الامانیة حد لازم

نشود [بعد از تاوان از سه ماه تا یکسال حبس]

۱۹۸. هر کسیکه یک کلید را تقلید کند، و یا یک رقم آله که

قفل را بکشاید بسازد [از سه ماه تا یکسال حبس]

۱۹۹. هر کسیکه جبر از دست شخصی یک حجت نقد می دسند

قرض را بگیرد [از پنجاه تا سه سال حبس]

فصل هفتم

(کسانی که در امانت خیانت کنند)

۲۰۰. کیکه یکت کو دک را بیکت چیزے راضی وقانع گردانید

بجدا از دست وی سند دین یعنی حجت و یا خود کلیم

ورقه ابر او تعهد بگیرد [هرگاه بکو دک نقصان رسند

باشد، تاوان آنرا میدهد و علاوه بر آن ربع مقدار خسارت

بقسم جزای نقدی از وی گرفته میشود، و هم از شش ماه

تا دو سال حبس میماند]

۲۰۱. هرگاه کسی بر یکت کاغذ سفید مهر دار و یا امضا دار که بر او

امانت تسلیم کرده دیده باشد، امانت داری خود را سوء

استعمال نموده بنام صاحب مهر و امضا عیاراتیکه متضمن

تعهد و یا ابر بوده، و یا خود بر آن یکت سند بسته

که صاحب امضا را ذاتاً و یا مالاً نقصان برساند بعد از

تاوان شرعی [از یکسال تا دو سال حبس، و از دو صد پی

فصل (۱۰) جزای عیبر

الے ہزار روپیہ جزا سے نقدی [

۲۰۳۔۔ کسیکے بصورت امانت و وکالت سندت، اوراق،

اموال، اشیاء و نقود و ساڑھ کہ بہ او تسلیم گردیدہ باشد
بصاحبش اعادہ نمودہ پنہان و یا ضایع کند، بعد از جزا

شرعی [از شش ماہ تا دو سال حبس]

۲۰۴۔۔ ہر گاہ شخصے سند شخص دیگر را کہ برائے اثبات دعوی

در محکمہ ابراز نیکند، و یا ایک کاغذ دیگرے را بے اطلاع

یافتن محکمہ بدزد و یا پنہان کند [از پنجاہ روپیہ تا دو

صد روپیہ جزا سے نقدی]

* *

*

فصل هشتم

(قمار بازان)

۲۰۵- کسانی که قمار میزنند [مال قمار ضبط، و هر یک از قمار بازان

[۳۹ دته ضرب]

۲۰۶- کسانی که در خانه و دکانهای خود پنهایی قمار بازان را

آورده از آنها حق نعل میگیرند [از صدر و پیه الی بخصه پیه

جزای نقدی، و ۳۱ دته ضرب]

* *

*

نصف (۱۱) جزای عوی

فصل هفتم

(کسانیکه مردم آزاری و بیهوده خرجی میکنند)

۲۰۷- کسیکه آلات و ادوات زراعت و صناعت دیگر را بشکند و یا ضراب کند [بعد از تاوان آن از بچفته

تایگاه حبس]

۲۰۸- کسیکه حیوانات سواری و بارگیر اسپ عراده و سایر

حیوانات دیگر را قصداً تلف نماید [بعد از تاوان آن بصاحبش، بچفته مقدار تاوان جزای نقدی از او

گرفته میشود]

۲۰۹- کسیکه خندق و جریا نیکه بر دور او در ارضی یک شخص دیگر

کنده شده باشد، پرو خاکریز نماید، و یا احاطه نماید از تپه ها و خار و خس بر اطراف کشت زار کشیده شده و بر آن

کند [بعد از تاوان آن بقدر مقدار تاوان جزای نقدی]

۲۱۰- کسیکه طرق عمومی و یا چشمه و یا پل و یا آبرو های آب،

زیر تاوان جزای نقدی

و یا اینیہ کہ ملک خود او نباشد بالا اختیار ہدم و تخریب کند

[بعد از تاوان آن از شش ماہ تا دو سال حبس]

۲۱۱۔ کسیکہ بدون یک دست آویز رسمی و حجت شرعی کہ

حق اور اثبات نماید، خود بخود اموال غیر منقولہ را کہ داخل

عہدہ تصرف شخص دیگرے باشد ضبط و مداخلہ نماید

[بعد از استرداد چیز ضبط گردیدہ گی از یک ماہ تا شش

ماہ حبس]

۲۱۲۔ کسیکہ نہالستانہا و کشتزار مانے را کہ ہنوز بحال

نرسیدہ باشد قطع و تلف نماید، و یا بمقصد تخریب

در آن حیوانات را بکشد [بعد از تاوان آن از بیست و

تا صد روپیہ جزا بے نقدی]

اگر این نہالستان تخریب شدہ عبارت از نہالہا

باغ و یا نہالہا بے قیمتی و میوہ دار باشد [بعد از تاوان

از یک ماہ تا دو سال حبس، و از دو صد روپیہ الی دو ہزار

روپیہ جزا بے نقدی]

فصل دهم

(قواعد جزائیه که متعلق به اطبا و جراحان و عطاران است)

۲۱۳- طبیبان و جراحان و عطارانیکه بنا بر سو قصد،
به بیمار دوا سه مخالف داده موجب موت و وفات
مریض گردند [اعدام]

۲۱۴- اینچنین یکند دوا سه مخالفیکه بنا بر سو قصد داده
شده باشد، هر چند که موجب موت و هلاک مریض
نگردیده، باعث شدت بیماری و مرض شود، طبیب
و یا عطار و جراح [برای اینکه آینه در هیچ جا اجرا سه
صنعت نتوانند شهادتنامه شان ضبط میشود،
و از سه سال الی پنج سال حبس]

۲۱۵- طبیبان و یا جراحان و عطارانیکه سهوا مریض دوا سه
مخالف داده، و یا بهر حال در فریضه ناموریت خود تا
غفلت و اهماال نموده این سهوا و اهماال شان سبب

موتِ مریضِ گردو [برای اینکه آینده در پیچ جا اجرا

صنعت نتواند شهادتنامه‌شان ضبط، و دو هزار

روپیه جزای نقدی میدهند]

۲۱۶ - اگر ازین سهو و اجمال مریض وفات نیافته بلکه حسب

شدت بیماریش گردو [از یکماه تا یکسال حبس]

* *

*

باب سوم

(جرمها اینکه از نوع قباحت باشند)

فصل اول

(جرمها ذیل جرمها نیست از نوع قباحت که از نامورین صاگرند)

(و هر که امستلزم جرائیست که درجه آن برابر)

(بمان جرم نوشته شده)

۲۱۷- نامورینکه در مقابل آمرتای خود بی صحتی و سرکشی نمایند

[از پانزده روز تا یکجا حبس] و یا [از دو ماه تا چهار ماه

تنخواهش بقیم جزای نقدی وضع میشود]

اگر سرکشی در مقابل یک تنبیه که متعلق به ایفای

وظیفه او بوده بعمل آید [لا اقل یکجا حبس و از ناموریت عمل]

۲۱۸- نامورینکه در حین ایفای امریکه آمرتای شان داؤد با

مستی و سهیل انگاری نشان بدهند [در نوبت

اول تنخواه یک هفته، و در دفعه دوم تنخواه پانزده روز

و در مرتبه سوم سخاوه یکماهه او قطع گردیده ، نوبت چهارم
 از یک هفته الی پانزده روز حبس گردیده از مأموریت عزل
 [میشود]

۲۱۹. — علی العموم مأمورینکه در خدمات و وظایف خود غیر حاضر

می مانند [بمطابق نظامنامه حاضری بنحوائی میبند]

۲۲۰. — مأمورینکه در خارج وظیفه از روی حیثیت مأموریت

خود حرکت های نامناسب بنمایند [در نوبت اول

انظار ، بار دوم در حضور دیگر رقائش توبیخ ، دفعه

سوم قطع سخاوه یکماهه او ، مرتبه چهارم عزل از مأموریت]

* * *

*

نورانی بنام محمد

فصل دوم

(بهره‌ها ذیل علی العموم از نوع قباحت بوده مستلزم جزا هستند)

(که در برابر هر کدام نوشته باشد)

۲۲۱- در راه و سرک ها، خاک روبه ها و گندگی ها و سایر چیزها نیکه

موجب بدبوئی و تعفن باشند، انداختن و به بی پروائی

بالا سبک خاک جاروب و چرکاب ریختن، و بر روی

سرک ها حسب اللزوم بعضی چوقوریاها کنده شبانه یا بالا

آن فانوس نگذاشتن [از یکروپیه الی بیست روپیه

جزای نقدی]

۲۲۲- در داخل شهر و دیهات درجاها نیکه احتمال ضرر باشد

پطاقی انداختن [از ده روپیه الی پنجاه روپیه جزا نقدی]

۲۲۳- در داخل شهر با بلالزوم تفنگ زدن [صد روپیه

جزای نقدی]

۲۲۴- درجا نیکه مردمان جمع باشند اسب و ایندن

نصف (۱۱) فاصله عروسی

[ازده روپيه الى پنجاه روپيه جزا بے نقدی]

۲۲۵۔ کسیکه از گرفتن سکه دولت بقیمت محبتش انکار،

و استنکاف ورزد [ازده روپيه الی سی روپيه

جزا بے نقدی]

۲۲۶۔ قصداً بخانه و یا حویلی یک شخص دیگر خاک و سنگ

و ناپاکی انداختن، و یا بجائیکه داخل شدن در آن

ممنوع است در آمدن و از جاییکه گذشتن از آن ممنوع است

گذشتن [از بیست روپيه الی شصت روپيه

جزا بے نقدی]

۲۲۷۔ بدرجه که باعث برهم زدن راحت انالی گردد بلاموجب

غال مخال و شماته کردن [از پنجر روپيه تا بیست روپيه

جزا بے نقدی]

۲۲۸۔ اعلاناتیکه بامر حکومت چاپانیده و آویخته شد باشند

کندن و پاره کردن [از پنجاه روپيه الی صد روپيه جزا

نقدی، و از پانزده روز الی یکماه حبس]

فصل پنجم (۱۳۱)

۲۲۹- کسانیکه کمتر از نرخ معین مروج اشیا را بفروشند

[از بیست روپیه تا هشتاد روپیه جزای نقدی،

و از سه روز الی یک هفته حبس]

اگر اشیا بفروش از قبیل نان و گوشت و آرد

و چوب و زغال باشد که حواشی ضروری و ایستادن

[جزای نقدی بقرار فوق، مدت حبس از یک هفته

الی پانزده روز]

۲۳۰- کسیکه جانانے را که برای منافع عمومی از قسم طرق

عامه و میداها و تماشا جاها ترک و تخصیص شده باشند

خراب و ویران سازد، و یا از طول و عرض آن مقدار

برای خود بزد [جانانے را که خراب کرده است

بخودش تعمیر میشود، و جانانے را که در دیده است

از وی اخذ و استرداد گردیده، بعده از پانزده روز

الی یک ماه مجوس میماند، و از بیست روپیه الی هشتاد

روپیه جزای نقدی میدهد]

نزدیک ۱۳۳۰، جزای عمومی

۲۳۱- کسانیکه بر دیوار های مساجد و جوامع و مقبره ها، و

بر سر کباب دیوار های عمارت های سرکاری، و ایند

خصوصی را به زغال و سیاهی و غیره چرک و خط میکنند

و یاد رخت های را که از طرف حکومت در سرک های

نشانیده شده و یا گلزار های را که بر اطراف سرک

طرح شده اند خراب کنند، و یا گل های آنرا جدا

سازند [از پنجره و پنجاه روپیه جزای نقدی]

۲۳۲- جرائمیکه در نظا منامه جزای مذابراے آن [از

یکصد روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی] و از

[یکروز الی یکماه جزای حبس] مقرر گردیده کاؤآن

از نوع قباحت میباشد .

۲۳۳- کسانیکه هنگام شب چراغهای گادی را خاموش

گذاشته باشند [دو روپیه]

هرگاه چراغ بایسکل باشد [یک روپیه]

هرگاه چراغ موتور باشد [بیت روپیه جزای نقدی]

۲۳۴- در اثنای مرور عبور غیر پیاده بر سر کباب دست چپ خود

زرقه بدست راست بروند [پنجره پیمه جزای نقدی]

۲۳۵- گفتن الفاظ رکیک و لغو و طعن و استهزاء غیر قذف

[پنجره پیمه جزای نقدی]

۲۳۶- جنگ دادن طیور و حیوانات [بیت جزای نقدی]

۲۳۷- در داخل شهر کبوتر پرانی و کاغذ پرانی، و بدون عذر بالا

بام بر آمدن که از آن همسایه متضرر شود [پنجاه روپیه

جزای نقدی]

لیکن کاغذ پرانی بدون بام، و محض نگره شستن کبوتر

بدون پراندن معاف است.

۲۳۸- جنگ های خفیف و گفتگوهای بازاری که روزی

واقع میشود، در صورتیکه یکی از جانین بدائرة پولیس

عرض کند [از پنجره پیمه الی بیت روپیه جزای نقدی]

و یا از میکرو تا یک هفته حبس]

۲۳۹- آویختن مرغ زنده از پارچه فروختن در بازار [دو روپیه]

جزای نقدی

۲۴۰ - اسپ را در بازار ایستاده کرده، و خود جلو آنرا گرفت

بردگانے نشستن [پنج روپہ جزای نقدی]

۲۴۱ - بر حیوان یا بر یک عراده از مقدار نظام نامہ اضافہ از

طاقش با رکرون [از پنج روپہ الی بیست روپہ

جزای نقدی

۲۴۲ - استنجا بدست بر سر کھالا ابالیانہ کشتن [یک روپہ

جزای نقدی

۲۴۳ - کسانیکہ مانند سجد و تربت و مانند آثار شریفہ

و با اہنیہ و عمارتے کہ از تزئینات بلدیہ میباشد

خراب و رخنہ دار نمایند، و یا درخت ما و نہالہائیکہ

در راہ ما و سہر کھاد کوچہ ما و یا صحن ہائے مسجد باشند

بہرند [بعد از ادا سے تا وان مقدار ضرر از

صدر روپہ تا ہزار روپہ جزای نقدی،

و از کیفیتہ تا جگہ جس]

۲۴۴. - به اجراء احکام این نظامنامه وزارت

عدلیه مامور است.

ادخال نظامنامه به ازاد در نظر است دولت، و اجراء

احکام آنرا اراده مینمایم.



توضیح امضا قضایا

چون توجهات شاهانه علمحضرت شهریار غازی
 ایده الله تعالی نظامنامه بداحصم گردیده این خادومین دین فرأ
 مأموریت امضا آن گردیدیم، بنا بر این دعائائیدات غیبی خود
 مسعود علمحضرت شائر البصیدینا ز کرده مرقوم میداریم که این
 نظامنامه جز اشعری عمومی از سر تا پا بدقت ملاحظه و طالع کردیم
 همه احکام و مندرجات آنرا در هر باب با احکام کلیه جلیله

فرموده امضا

شیرعتِ غرائبِ محمدی صلی اللہ علیہ وآلہ واصحابہ

وسلم مطابق، و با ایجاباتِ سیاستی عصر و زمان

خادم العلماء

موافق یافتیم . محمد عبد الوہاب قذافی
عف عنہ



نسخہ (۱۳۱۱) قذافی

﴿ ضمیمه نظامنامه جزای عمومی ﴾

قاعده

۱. — دزدانیکه بخانه شخصی برای دزدی رفته به بردن مال موفق
 نشوند و جرحی هم واقع نشود هرگاه در جاعه آنها
 زیاده از يك نفر مسلح باشد صاحبان سلاح حبس دوام
 و باقی نفری شان از (۱۰) سال الی (۱۵) سال حبس
 هرگاه تعداد نفری زاید از سه نفر بوده تمهاتیک
 نفر شان مسلح باشد شخص مسلح از (۸) سال الی
 (۱۰) سال حبس و باقی نفری آن از (۵) سال الی (۸)
 سال حبس ا

هرگاه تعداد نفری از سه کس کمتر باشد شخص
 مسلح از (۴) سال الی (۵) سال و باقی نفری از (۱)
 سال الی (۳) سال حبس ا

۲. — در صورت عدم حصول مصارف محکمه از محکوم علیه در
 مراکز بموجب تحقیقات وزارت امنیه و در ولایات
 و محاللات بقرار تحقیق کونوال ها و در حکومتی ها
 بذریعہ حکام عینی تحقیق گردیده به محاکم شرعیہ برسد
 فیصله دعوی بجائاً بلا بدل داده شود ا

۳. — کسانی که بجریمه غیر واقعات قتل و تعزیر حبس محکوم
 بوده در حین حبس ادای جزای نقدی را کرده نتواند

درمقابل (۱۵۰۰) روپيه جزای نقدی خود حبس
یکسال را مجبور است که در حبس طی کند !

۴. — کسانی که به اتهام جنحه و جنایت بوزارت امنیه توقیف
شوند و در محاکم عدلیه اصل فعل بر او شان ثابت شود
ایام مدتی حبس شان از ابتدای توقیف محسوب است !
۵. — حصول فیصله فقرات قتلکه دیت بطریق قسامت حکم
میشود زاید از [۶] روپيه که قیمت اصل فیصله
است گرفته نشود !

۶. — کسانی که عنداللزوم بوزارت ها و دوائر دولت جلب
میشوند اگر قریبه دارو یا کلانتر و دیگر مأمور تصدیق
حاضر نبودن و بیماری شخص جلب شده را بنماید
و کذب ظاهر شود مصدق کاذب از بیست روپيه الی
دو صد روپيه جزای نقدی میدهد !

۷. — محبوسینی که از توقیف خانه ها فرار مینمایند و باز دستگیر
شوند اگر محبوسین جنحه بوده از محاکم شرعیه بر آنها
حکم حبس صادر شده باشد ربع میعاد حبس مقرر
را اگر محبوس جنایت باشد ثلث میعاد حبس ممینه
خودهار اعلاوه بر جزای سابقه خود ها اکیال مینمایند
الا قبل از محکومیت و صدور حکم محاکم شرعی فرار
کنند از (۶) ماه الی یکسال محبوس مینماید !

۸. ش. کسانی که توقیف وزیر استنطاق اند و هنوز حکم شرعی

بر او شان صادر نگردیده از باعث غفلت بهره دار

فرار کنندا کر مفروزی متهم چنانچه باشند تا بافظ طفل از

یکماه الی یکسال حبس و اگر متهم جنایت باشند از

یکسال الی سه سال حبس !

۹. - اشخاص متهم بالقتل که قبل از حکومت خستیا وار شان

مقتولین را ببلغ و یا جنس معینی رضامند ساخته ورثه

در محکمه شرعی سوگو کنند بدهد و یا اسقاط سوگو کنند نمایند

و کارسازی شان ثابت شود که قبل از صرافعه حکومت

وقضا برای پامال کردن قتل مصالحه نموده اند مناصفه

وجه مصالحه از ورثه و شخص متهم بطریق علی السویه

جزای نقدی گرفته میشود !

۱۰. - شخصی که بموجب نظامنامه جزا ایام حبس را تکمیل

نماید و یا بواسطه آنها می توقیف شده باشد حین رهائی

ضامن گرفته نمیشود

۱۱. - کر بختاندن زن عسکری که شوهرش مسافر و بخدمت

باشد در صورت اقرار زن که رضای خود رفته باشد

(اعدام) والا بقراین قطعیه ثابت شود از (۴۹)

الی (۷۹) دره تعزیر !

۱۲. - سرقت اموالیکه نصاب شرعی را که مراد از هفت قران

است پوره نمکنند - از بیست روز الی یکماه حبس !

(۴)

۱۳ - که آید که اشیاء تطبیعی مثل کره کلت کرده طلا و نقره
و امثال آنرا بقیمت اصلی جنس فروخته باینقسم
ساخته کاری نماید بعد از تاوان مال از یکسال الی سه
سال حبس !

۱۴ - کسانی که عیال منکوحه کنی را که شوهرش مسافر باشد
برای دیگری بفریب عقد نکاح نماید از یکسال الی
(۳) سال حبس !

۱۵ - کسانی که آبا و اجداد و امهات خود را بقتل رسانند
اگر فرار نمک القضاء الامایه قصاص لازم نشود
سیاستاً (اعدام) !

۱۶ - مصارف محکمه برخلاف قاعده (۹۷) نظامنامه جزا
قبل از تضمینات شخصیه ورد اموال مسروقه و دیت
شرعی گرفته میشود !

۱۷ - اگر درجه دزدان علاوه از یک نفر مسلح بوده قرار
قاعده (۱۹۰) دزدی نماید تحت قاعده (۴۸) اجرا
میشود !

۱۸ - کسانی که شخصی را بموضع شخص دیگری که حقیقتاً
آن شخص حاضر نباشد در محکمه آورده برای فساد
خواهها بفریب از اقرار شخص غایب و بیقه شرعی حاصل
نمایند ، کذا بعضی اشخاص در واقعه مذکور تصدیق
نمایند - هرگاه منفعتی حاصل کرده باشند به شخص

(۵)

ضرر رسیده مسترد گردیده و بهمان مقدار جزای
نقدی از اشخاص فریب کننده علی السویه استحصالی
میشود - و نفی مصدقین جزای شاهدزور می بینند ،
اگر فایده تحصیل نموده باشند فریب کننده کان
و مصدقان معاصمه مذکور جملاً جزای شاهد زور
می بینند !

۱۹ - اشخاصیکه بدزدی و داره و تاراج شهرت پیدا کرده
باعث اختلال امنیت و رفاه عامه شوند ، باید اشخاص
درست و روشناس آنجا در محکمه مرافعه مراکز ولایت
و محال رفته صورت واقعه را سجل شرعی نمایند و
مأمورین دولت از شخص علاقه دار الی نائب الحکومه
همانجا معلوماتیکه درباره آنها داشته باشند نیز تحریر
کرده قانوناً بهر محکمه که تعلق داشته باشد بسپارد
این معلومات مدار حکم شرعی میگردد !
اگر شهرت داره و تاراج متواتر باشد (اعدام) !
اگر شهرت غیر متواتر باشد از (۵) سال الی (۱۰)
سال حبس !

اگر شهرت محدود باشد نقل مکان !
۲۰ - کسانیکه محکوم به نقل مکان گردیده خلاف حکم حکومتی
منفی و ایس عود نمایند اگر تأییداً منشاء فساد و داره
و تاراج کردند (اعدام) !

(۶)

الا از نجهاله الی (۱۰) سال حبس !
 ۳۹ - اگر فاعل قتل محمد نامعلوم بوده و رثه مقتول بر شخص معین
 دعوی اصل فعل و برمالک مقتل دعوی دین و قسامت
 شرعی را نماید بواسطه وجود قتیل از نفری بالغ
 مذکور همان عمده و موضع که جسد مقتول ظاهر شده
 فی نفر پنجم و بیه بطور جریمه جزای نقدی گرفته
 میشود - بدیگر عمده و یاقریه جریمه مذکور نفوذ میکنند .



ضمیمه نظامنامه خزانگی عسکری

(۱) قاعده جدید - کسیکه اموال دولت را نقداً و یا جنساً بپسید و جعل کاری
 خیانت کند، هرگاه نقد باشد و مثل آن وجه و اگر جنس باشد
 و مثل قیمت همان جنس از فروش استرداد کرده بخرنینه
 دولت دخل میشود، علاوه بر آن برای کمتر از نصاب شرعی
 یکماه حبس و از نصاب شرعی الی هزار روپیه از یکسال الی
 سه سال حبس، و از هزار روپیه اضافه الی ده هزار روپیه
 از سه سال تا ده سال حبس، و اگر اضافه از ده هزار روپیه
 باشد از یازده سال الی پانزده سال حبس، و مطابق ماده
 (۷۲) از مأموریت طرد.

(۲) عضو ماده (۶۳): کسیکه اموال دولت را نقداً و یا جنساً سرقت نماید، اگر مطابق
 مقتضای القضاة الامانیة حلاً لازم نشود اضافه از نصاب شرعی الی
 یکصد روپیه یکسال حبس، از یکصد روپیه اضافه الی هزار روپیه
 از دو سال تا سه سال حبس، و از هزار روپیه اضافه الی ده هزار
 روپیه از پنج سال تا ده سال حبس، اضافه از ده هزار روپیه

از یازده سال تا پانزده سال حبس کرده میشود، و هرگاه نقد باشد
 دو مثل آن وجه نقد و هرگاه جنس باشد دو مثل قیمت همان جنس
 از نزد مجرم استرداد گردیده بخراین دولت اخل میشود، و مطابق
 ماده (۲۲) از ناموریت مطرود شمرده میشود.

(۳) عوض ماده (۲۴): کسیکه در وقت بیع و شراء اشیاء چسباد دولت در محال
 خرید و فروش آن دست بازمی نموده خود از آن مستفید گردد
 بقرار قاعده (۲) ضمیمه مذکور مجرمیند.

(۴) عوض ماده (۶۵): اگر مرتکبین جرمها یکدیگر در همین سه قاعده فوق بیان گردیده
 ملازم دولت نباشد با وجود آنهم مانند بالا مجرمیند.

(۵) عوض ماده (۹۲): هرگاه از پیش سپاهی یا منصبدار نظامی و پولیس که
 بر محافظت یک مجبوس مأمور باشند بسبب غفلت بی و پائی
 مجبوس بگریزد و نظر بد رجعات ایهمال و غفلت شان اگر
 مجبوس محکوم باعدام باشد لا از ۸ تا ۱۰ سال حبس
 و در باقی آن از ربع تا ثلث میعاد حبس مقرر مجبوس را
 پوره میکند.

و اگر مجبوس را قصد بگریزانند [هرگاه مجبوس باعدام
 محکوم باشد پانزده سال حبس، و پایا نتر از آن نصف

مدت محکومیت مجبوس را جزای حبس می بیند].
 و هرگاه مجبوس هنوز محکوم علیه نگردیده باشد و در پاره او
 حکم محکمه صادر نشده باشد و قصد او را بگیرزند [از
 سه تا چهار سال حبس].

(۶) عوض ماده (۱۷۴): اگر کسی یک زن شوهردار را که شوهرش خواه در سفر
 و خواه در حضر و خواه زن عسکری و خواه از امالی باشد
 بطور جبر و یا حیلہ بگیرزند (۷۹) دره ضرب ده سال
 حبس، در صورت جبر و حیلہ زن شوهردار از
 جزا معاف، و در صورت رضا به جزای مذکور
 گرفتار میشود.

(۷) عوض ماده (۱۷۵): اگر کسی یک زن پیوه را و یا یک دختر خانه را بطور
 جبر و یا حیلہ بگیرزند (۳۹) دره ضرب و سه سال
 حبس میشود.

(توضیح یک فقره نظامنامه جزا)

در ماده (۲۲۳): مراد از تفنگ زدن در شهر فقط همان مناطق شهرزنان
 مطلوب است که از طرف فرماندهان محلی محدود و تجزیه کرده میشود.

مورخه دوشنبه ۱۵ میزان ۱۳۰۲



این کتاب در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

(الجمعة لند الطرافه)

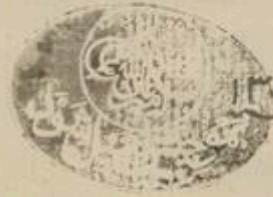
و در بیان مسوولیتهاست

و در بیان مسوولیتهاست

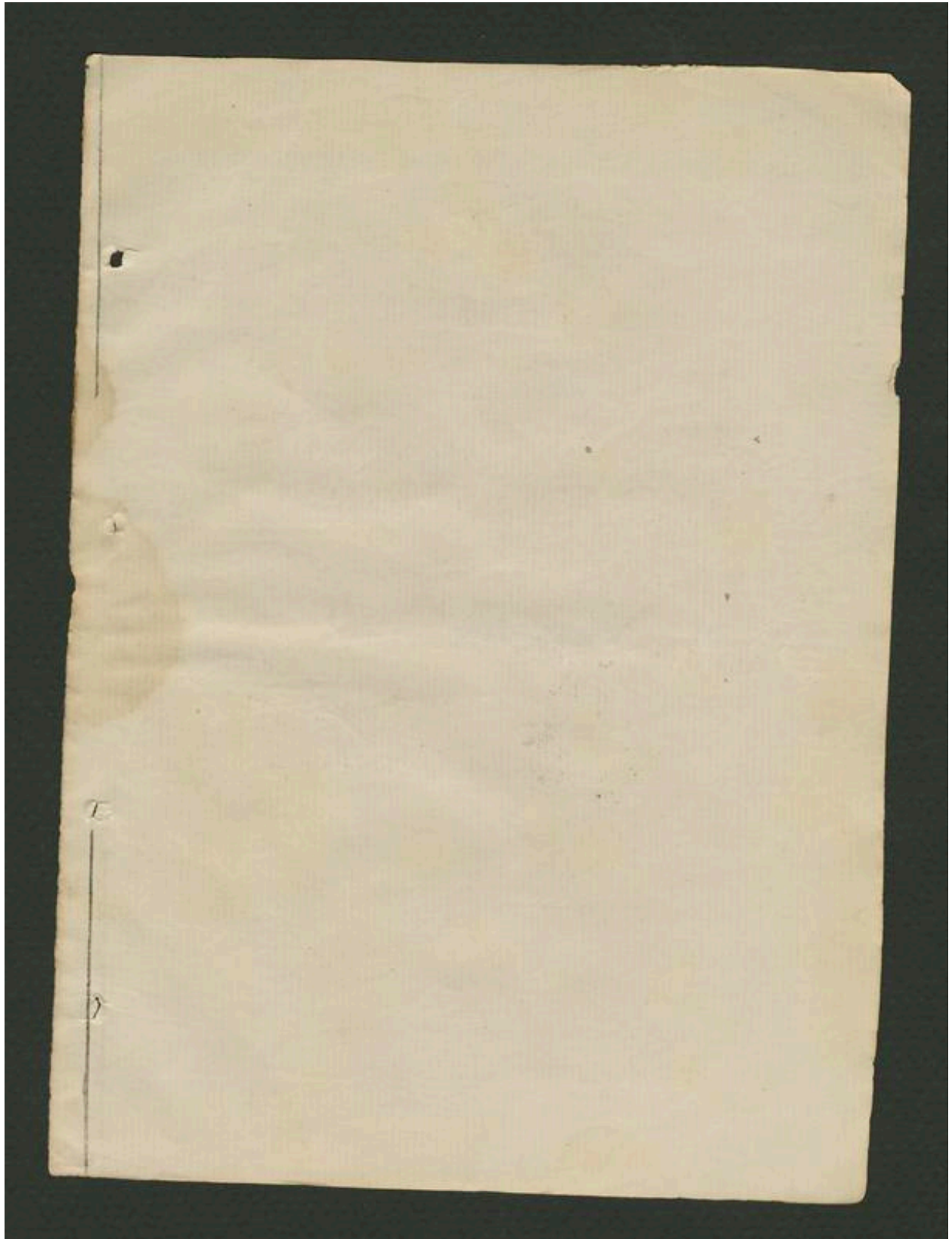
و در بیان مسوولیتهاست

نظام مینا جزایر محلی
صهیون

از ولایات و حکومتی های اعلیٰ مجریه که از پنج سال
اضافه در باره شان حکم حبس میشود، و از حکومتی های
مربوط ایالت کابل اشخاصی که زیاده بر سه سال
ستوجب مجبوسگی باشند در هر سال بدو مرتبه مجبوسا
برگز کابل فرستاده شوند تا در توقیف خانه مرکزی وقتا
مجبوسی آنها پوره شود.



تخیر یوم چهارشنبه ۲۵ میزان ۱۳۱۳



ضمیمه نظامنامه جزای عمومی



داکترها و اطباء یونانی که از مدیریت مستقلة طبیه اجازت نامه
 معالجه نداشته در شهر کابل جدا دای مالی پروازند اگر از معالجه
 شان هیچ آسبیبی هم بیارند از پنجاه روپیه الی هزار روپیه
 جزای نقدی میابند .

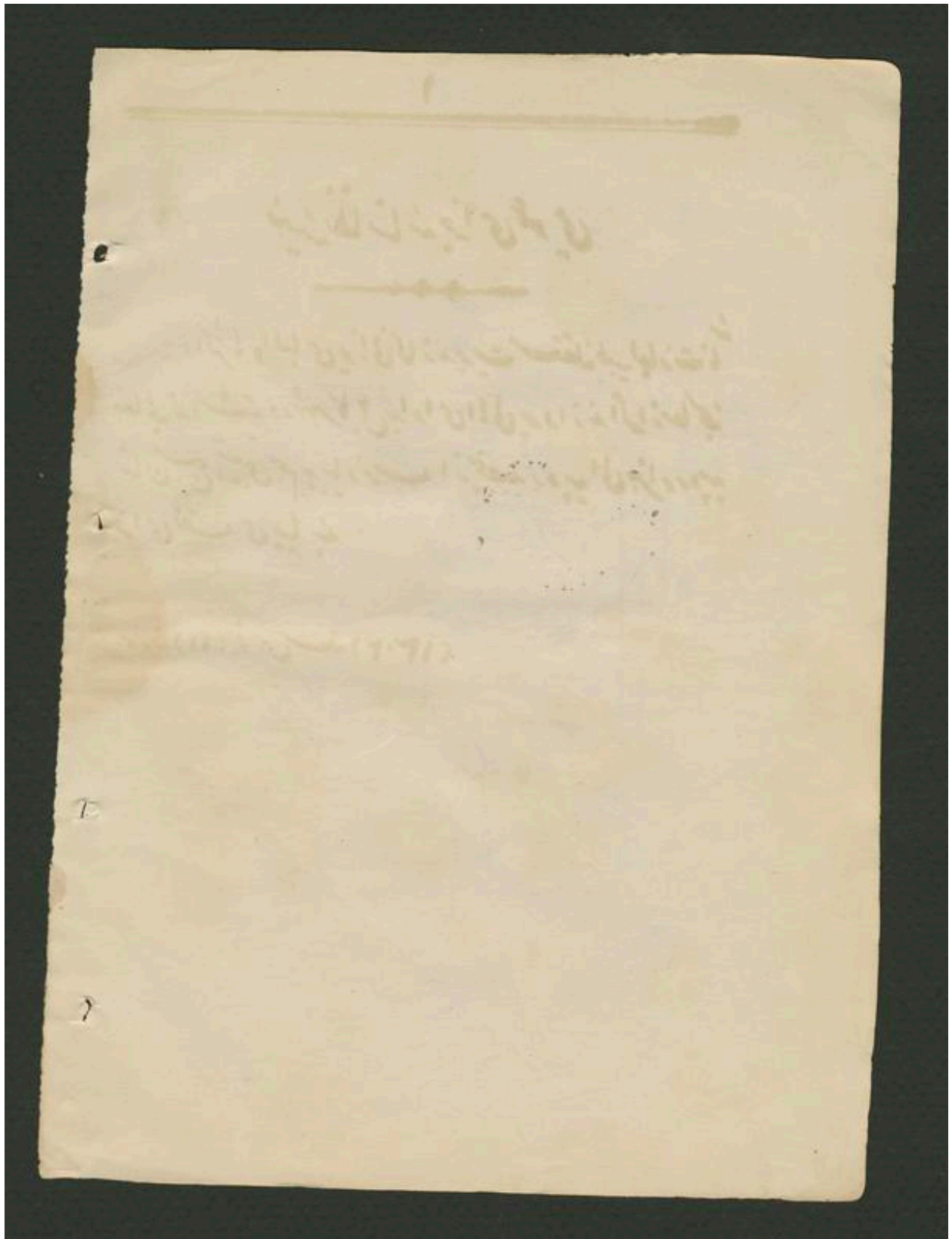


مورخه (۱۱) قوس سنه (۱۳۰۲)

۵

۱

۲



ضمیمه نظامنامه جزایر عمومی

مأمورینیکه بترتیب اوراق سوانح عمر خود مکلفیت دارند اگر در مرکز کابل مستخدم و سکونت شان در شهر باشند به احوال این دو دختران قابل تعظیم خودشان که سنین آنها از هشت سال کم و از دوازده سال اضافه نباشد در مکاتب مکلف اند و هرگاه در اطراف ملازمت شان باشد تنها بشمولیت بچه های خود در مکاتب محلی مجبور اند .

در صورتیکه نسبت به تکمیل قاعده فوق مسابلهت و تکاسل ورنه در مرتبه اولی تنخواه دو ماهه و در دفعه دوم تنخواه چهار ماهه شان قطع گردیده بالاخر در کت سوم تنخواه شش ماهه و در نهایت طرد کرده میشوند .

اجرای احکام فوق را در مرکز کابل از ابتدا استیست ماه دلو و در ولایات و محلات از اول سال ۱۳۰۳ هجری میفرمائیم .



في كتاب الامامة الخليفة

١

في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة

١

T

في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة
في كتاب الامامة الخليفة

٧

ضمیمه نظامیه جزای عمومی

- (۱) — شهادت آنکه بر زنا شهادت داده اند در زمان برجم زانی غائب یا فوت شده باشند محکوم علیه مذکور تغزیراً بضر (۷۹) دره و تشهیر محکوم میشود.
- (۲) — شهادت آنکه شهادت ناحق بدید علاوه بر ضر و تشهیر که در فصل چهارم جزای عمومی نشان داده شده از سه ماه الی شش ماه حبس.
- (۳) — کسیکه ورثه مقتول را بر عفو کردن از قصاص ثابتة مجبور کند قاتل سیاستاً اعدام، و اگر اه کنند یک هزار روپیه جزای نقدی و یکسال حبس.
- (۴) — درکندن یا تراشیدن بقدر ربع و اضافه ازان موی سر و ریش مرد را اجباراً از یکماه الی سه ماه حبس، و از دو صد روپیه الی پنج صد روپیه جزای نقدی، و اگر موی سر زن را بقدر ربع و اضافه ازان کند و یا تراشد

جزای عمومی

از سه ماه الی ششماه حبس ، و از پنجاه روپیه الی
هزار روپیه جزای نقدی گرفته میشود ، و در گذشتن
و تراشیدن موی مرد وزن که مادون از ربع باشد
در تحت حکم قباحه می آید .

(۵) — کسیکه بیک صدمه غیر فعل زنا ، بکارت باکره رازش

نماید علاوه بر مهر مثل از سه ماه الی ششماه حبس .

(۶) — زنیکه با دیوانه زنا کند از (۳۹) دره الی (۷۵) دره

ضرب .

(۷) — مردی که با زن اجنبیه بغیر زنا و لو اطمینان باقی اعضا

دست درازی و پامساس کند در صورتیکه مرد اگر اه

کند تنها مرد ، و در صورت رضا زن و مرد هر دو از

(۲۵) دره الی (۳۹) دره ضرب ، و از یکسال الی

دو سال حبس .

(۸) — رقاصی زن بجنور مردان هر واحد از ششماه الی یکسال

حبس و از دو صد روپیه الی سه صد روپیه جزای نقدی

وزن از ده دره الی پانزده ضرب و از دو صد الی

سه صد روپیه جزای نقدی .

ضرب زنا باکره جزای نقدی

- (۹) — زنهايکيه به بد افحالی متواتره شصرت پيدا کنند
از ده دره الی پانزده ضرب و از دو صد الی سه صد ^{روپيه}
جزای نقدی .
- (۱۰) — شخصیکه پدر و یا مادرش از ایداء ، و یا اطوار
ناپسند او بجا حکم شاکی شوند از سه دره الی پانزده
دره ضرب و یا از یکماه الی چهل روز حبس .
- (۱۱) — زنیکه بدون عذر شرعی و بلا اذن شوهرش در خانه
مردمان اجانب برود از هفت دره الی بیست و
پنج دره ضرب .
- (۱۲) — شخصیکه در مقابر رفته کفن میت را بکشد از یکماه
الی سه ماه حبس .
- (۱۳) — کرایه کش ها و کسانیکه به خدیعت اخذ بیعانه میکنند
و از عهده انجام عمل برآمده نمیتوانند بعد از استرداد
وجه از ده روپیه الی دو صد روپیه جزای نقدی .
- (۱۴) — کسیکه شخص مستأمن را بکشد سیاناً اعدام .
- (۱۵) — در ماده (۱۰) نظامنامه جزای عمومی که لفظ صحن
وزارت عدلیه مذکور است به عوضش صحن ولایت

منظور است .

(۱۶) — ضمیمه ماده (۳۰۹) نظامنامه جزای عمومی [و اگر اصل

فاعل مستلزم دیت شرعی و یا جزای نقدی یا ضرب
باشد کسانیکه فرغاذی مدخل باشند، بقدر دو

جزای اصل فاعل جزا می بیند.]

(۱۷) — اگر بعضی از ورثه معاون قتل مورث خود بوده غفوتاً

چون عفو او مسقط قصاص میگردد قاتل سیاستاً

اعدام .

(۱۸) — زنیکه فرغاذی مدخل و یا محرک قتل شوهر خود گردد و

و قتل بعجل آید سیاستاً اعدام .

(۱۹) — ضمیمه قاعده (۱۷۰)؛ امر دین در صورت رضا از (۱۰)

دره الی (۱۵) دره ضرب و از دو صدر و پیه الی صد

جزای نقدی .

(۲۰) — در مسئله زنا که حد شرعی بشبه ساقط شود از

(۳۹) دره الی (۷۵) دره ضرب .

(۲۱) — علاوه قاعده (۱۴۱) اگر ویای مقتول با قاتل

و مقتول قرابت پدر و مادر و برادر و خواهر داشته باشد

وقائل را عفو کند ازین حکم مستثنی است .
 (۲۲) :- زنیکه شوهرش غایب باشد و خودش حامله گردند
 برزنا اقرار و نسبت فعل را بر یک شخص منکر نماید
 اگر برضای خودش فعل وقوع یافته باشد
 (۷۵) دره ضرب .

(۲۳) :- برای شخصی که با استثنای قتل که جزای آن بعد از عفو
 در نظامنامه جزای عمومی تعیین یافته مرتکب یک
 جرم گردد و از طرف مدعی آن اگر عفو صادر شود
 و آن جرم با اقرار خود مجرم ثابت باشد تعزیر اینک
 به تخصیص همان جرم در نظامنامه جزای عمومی
 تعیین یافته در باره او اجرا میشود .

(۲۴) :- اشخاصیکه سندات تقلیدی یا تحریفی در باره مدعی
 خود بمحاکم دولت ابراز نمایند ذیلاً مجازات مییابند -
 الف :- اگر از قبیل حجت و قباله و امثال آن باشد
 ثلث مقدار مندرجه سند .

ب :- اگر بغرض دچار نمودن مدعی علیه خود را بیک
 مجازات قانونی باشد در حالیکه بآن سند

تدعی علیه محکوم با عدم گردود، هفت سال حبس
 و غیر آن ثلث مجازات محکوم علیه .
 (۲۵) : — اگر بر اقرار قاتل عمد نامورین دولت که رسماً تحقیقات
 ابتدائیه موظف هستند در محکمه شرعیه گواهی داد
 ورثه مقتول عفو نمایند مجرم به مجازات قاعده (۱۳۹)
 محکوم میشود .

(۲۶) : — اشخاص متخاصمین که بحاکم عدلیه یا اداره نامی دولت
 در اثنا محاکمه و تحقیقات باهم مشاطه کنند
 از محاکم عدلیه بموجب امر قضاة در کو تو الی محلی و دیگر
 دوائر دولت از طرف آمر همان اداره که اختیار اجرا
 قباحت را داشته باشد در باره اشخاص متخاصمین
 مجازات قباحت اجرا میشود .

(۲۷) : — کسیکه متهم نفجور باشد اگر یک امر در راه باکراه بگیرد
 (۳۹) دره ضرب و از شش سال الی ده سال حبس .
 و اگر بخند و فریب ببرد (۳۹) دره ضرب و دو سال
 حبس .

اگر یک شخص مستور الحال، باکراه بگیرد (۲۵) دره ضرب

دو سال حبس، در صورت خدعه از یکسال الی
دو سال حبس.

آمد در صورت رضایه مجاز است که گریز از آنده محکوم
شده محکوم میشود.

و اگر یک لفظ را بگریزاند که مظنه بدفعی نباشد خاص
گریز از آنده مجازات شدید قباحه محکوم میشود.

عوض قاعده (۱۴۰) هرگاه تنها یک نفر از ورثه مقتول قاتل را که بر فعل قتل عهد
اقرار کرده عفو نماید بعد از دیت پنج سال حبس.

عوض ماده (۱۴۹) هرگاه شخصی شخص دیگر را الت و کوب یا جرح نمود و جرح
قطع و شکستن و سقوط عمل یعنی از کار برآید ان کی از

اعضایش گردد علاوه بر دیت شرعی در صورت عقد
از دو سال الی سه سال حبس و از غیر عمر از یکسال الی

دو سال حبس میشود.

عوض ماده (۱۵۳) کسانی که از آبا و اجداد و اقهارت خود یکی را ضرب و جرح

نماید هرگاه ضرب و جرح موجب یکسب بیماری و مرض گردد
(از شش ماه تا یکسال حبس) و اگر زیاده از بیست روز

موجب بیماری گردد (از یکماه تا دو سال حبس) و اگر

ضرب و جرح با جراحت میوی

سبب سقوط یکی از اعضا شد علاوه بر دیت شرعی
و قصاص (از سه سال الی پنج سال حبس)

عوض ماده (۱۸۶) هرگاه برخلاف شخصیکه با ذم و چار تجاوز گردیده است

از سبب ماده که موضوع ذم است تعقیبات قانونیه
اجرا شود و تحقق شود که تجا و زیکنایه شخصی را که بروی
تعرض واقع گردیده دانسته در صد و بیست
اسنادات به اوست آن زمان ذم با فقر منقلب گردیده
بمطابق قاعده که در باره اقرار است حکم داده میشود هرگاه
شخصیکه ارتکاب جرم ذم را نموده در باره برائت ذمه
خود اثبات صحت و یا شهرت فعلی که بر تجا و زی علیه
اسناد نموده نخواهد این ادعایش قبول نمیشود

عوض ماده (۱۹) ضمیمه اشخاصیکه بدزدی داره و تاریخ شهرت پیدا کرده باعث

اهمیت و رفاه عامه شوند باید اشخاص درست و
روشناس آنجا در محکمات ابتدائیه مرکز ولایت
و مجال رفته صورت واقعه را سبج شرعی نمایند
و نامورین دولت از شخص علاقه دار الی
نائب الحکومه همانجا معلوماتی که در باره آنها داشته

تیمارخانه سراسر (عربی)

باشند نیز تحریر کرده قانوناً بهر محکم که تعلق داشته باشد
 بسیار در این معلومات مدار حکم شرعی میگردد و اگر
 شهرت وزدی و دوازه و تاراج متواتر باشد (اعلام).
 و اگر شهرت غیر متواتر باشد از پنجسال اسلے دسال

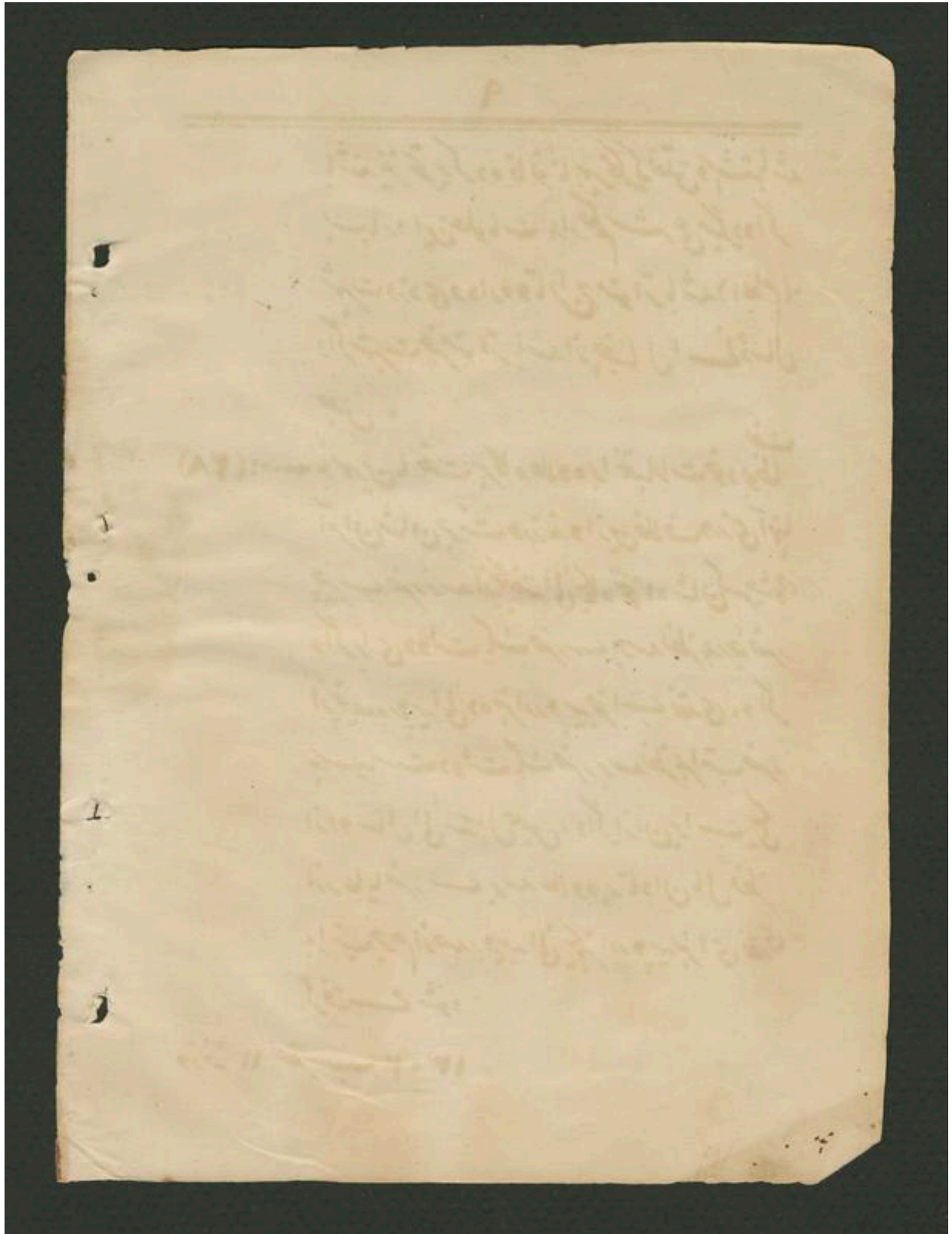
حبس .

(۲۸) : مأمورین ماتحت هرگاه علاوه بر اختیارات خود بوظایف

آمران شان جرئت ورزند و ازین خلاف ورزی آنها
 چیزی ضرر رسد از یک هفته الی یک ماه تنخواه شان کسر میشود،
 و اگر برای دولت یک ضرر برسد نظر بدرجه ضرر
 از پنجصد روپیه الی ده هزار روپیه جزا نقدی، و اگر
 بسیارست دولت یک ضرر برسد نظر بمراتب ضرر
 از دو سال الی سه سال حبس، و اگر از ان براسے یکی
 از رعایا ضرر برسد علاوه بر تاوان مال نظر
 بمراتب جرم از صد روپیه الی یک هزار روپیه جزای نقدی
 گرفته سے شود



موزعہ ۱۱ عقرب ۱۳۰۲



Handwritten text in Arabic script, likely a list or index. The text is very faint and difficult to read. Some legible fragments include:

- ... (AT) ...
- ... (L) ...
- ... (L) ...